امت

وَکَذٰلِکَ جَعَلْنٰاکُمْ اُمَّةً وَسَطاً لِتَکُونُوا شُهَدٰاءَ عَلَی النّٰاسِ وَیَکُونَ الرَّسُولُ عَلَیْکُمْ شَهِیداً

چهارشنبه ۲۴ مرداد ۱۳۵۸ — سال اوّل شماره ۱۸ — بها ۱۰ ریال

دراین‌شماره :

مصاحبه مطبوعاتی جنبش

نامه سرگشاده به امام خمینی

گزارشی ازکارخانجات ریسندگی وبافندگی اصفهان

هنر و ادبیات

گزارشی ازکارخانهٔ گچ خوزستان

اخبار ایران وجهان

مقصود ما از خائن تنها کسی نیست که کشورش را بنقد یا ببهای کم و زیاد بدشمن تسلیم کند و باز هم خائن تنها کسی نیست که پای دشمنان را در زمین وطن باز کند بلکه کسی که توانا باشد از نفوذ بیگانگان در کشور جلوگیری کند و با بهر وسیله که شده ضربتی بر پیکر اجنبی وارد آورد از این کار امتناع ورزد در هر لباس که باشد و بهر صورتی جلوه کند او نیز خائن است.

«عروة‌الوثقی»

دشمنان انقلاب را از دیدگاه علی بشناسیم

بدون ترس از اتهامات و ناسزاها وبی اعتنا به مصلحت‌اندیشیها علی‌وار بادشمنان مردم و مکتب روبروشویم

«قل هل ننبئکم بالاخسرین اعمالاً الذین ضل سعیهم فی‌الحیوة الدنیا و هم یحسبون انهم یحسبون صنعا» بگو آیا آگهیتان دهم بزیانکارتران در کردار آنانکه تباه شده است تلاششان در زندگانی دنیا و فکر می‌کنند که عمل نیکو انجام می‌دهند.

(۱۰۳ و ۱۰۴ کهف)

رمضان، ماه نزول قرآن و مکتب و ماه شهادت یکی از برجسته‌ترین مظاهر مکتب یعنی علی است. ماه خودسازی و تعلیم قرآن ماه مبارزه با نفس و رسیدن به‌تقوی و آماده شدن برای ایثار و فداکاری و جهاد با دشمن است.

در مکتب انبیاء ــ انسان در بند و اسیر جهل و هواهای نفسانی و جبرهای اجتماعی و نظامات ضد انسانی، ابتدا با حقایق از طریق مکتب آشنا می‌شود ــ می‌فهمد که نباید از بت‌ها خدایان زمین، جباران، شاهان، ارباب‌ها، مالکان و سرمایه‌داران اطاعت کند، می‌فهمد که آنها اختیاردار او نیستند، مؤثر در سرنوشت او نیستند، آنها هم بندگان ضعیفی هستند که بوسیله زور و فریب بر مردم مسلط شده آنان را بخدمت گرفته‌اند و برده و مزدور و محکوم خویش ساخته‌اند. می‌فهمد که خداوند انسانها را برابر آفریده و تبعیضی بین افراد قائل نشده و نعمت‌ها را مساوی برای همه آفریده ــ اگر ظلم و جوری هست، اگر فقر و محرومیت هست، اگر اسارت و زندان و شکنجه، حقارت و زبونی، جهل و ذلت و خواری، گرسنگی و فقر هست، تنها دلیلش اینستکه عده‌ای به‌غلط به‌کمک زور، تجاوز، قلدری نیرنگ و فریب، تزویر و خدعه، نعمت‌ها را بر مردم حرام و برای خود خلال کرده‌اند، مردم را برده و مزدور خود ساخته‌اند بعضی را پاسبان دیگران قرار داده‌اند تا از منافع و موقعیت آنها دفاع کنند

مردم از طریق وحی با این حقایق آشنا می‌شوند در می‌یابند که باید خود را آزاد کنند با قیام، با مبارزه و تلاش، مقاومت و جهاد و به‌کمک آگاهی و شعور اجتماعی.

انبیاء مردم را با یک حقیقت دیگر نیز آشنا می‌کنند، اینکه اگر می‌خواهید ظلم و تجاوز و استثمار، فساد و تباهی نباشد، خودتان نباید ظالم و متجاوز باشید نباید فاسد و بی‌بندوبار باشید. والاّ نمی‌توانید با این مظاهر شیطانی بجنگید نمی‌توانید جامعه‌ای آزاد، فارغ از استثمار و مبّرا از فساد و

بقیه در صفحه ۲

آزادی مطبوعات

از شعارهای محوری در دوران انقلاب، شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» بود. این شعار گونی با دل و جان توده‌های محروم کشور ما عجین شده بود، چه سالهای سیاه حکومت شاهان جبار و استبداد مداوم، هر گونه استقلالی را از جامعه ما گرفته بود و از آزادی تنها واژه‌ائی بی‌محتوا، آنهم در قاموس زرمندان و زورمندان چیزی باقی نبود.

حال که سرنگونی آن نظام وابسته و مستبد تحقق یافته، و ما وارث خونهای گرانمایه شهیدان شده‌ایم، مسئولیت پاسداری آن خونها در تحقق و تداوم بخشیدن همان شعارها است. شعارهائی که آنان در واپسین دم حیات بر زبان راندند و پیامشان را با خون بما رساندند. مطبوعات آزاد و بدون وابستگی از مهمترین ارکانهایست که می‌تواند آن پیامها را همیشه در جامعه زنده نگهدارد، و انحراف و کجروی از آرمانهای انقلابی و خواسته‌های خلق را بخوبی هشدار دهد.

بقیه در صفحه ۳

همبستگی مسلمانان جهان با انقلاب فلسطین

رهبر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی جمعه آخر رمضان را بعنوان «روز قدس» اعلام نمودند. امام در پیام خود خطاب به‌ملت گفتند:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

من در طی سالیان دراز خطر اسرائیل غاصب را گوشزد مسلمین نمودم که اکنون این روزها به‌حملات وحشیانه خود بر برادران و خواهران فلسطینی شدت بخشیده است. و بویژه در جنوب لبنان به‌قصد نابودی مبارزان فلسطینی و بپایی خانه و کاشانه ایشان را بمباران می‌کند. من از عمرم مسلمانان جهان و دولت‌های اسلامی میخواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن به‌هم پیوسته و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می‌کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است و میتواند تعیین کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد بعنوان روز قدس انتخاب و طی مراسمی همبستگی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم فلسطین اعلام نمایند. از خداوند متعال پیروزی کلیه مسلمانان را بر اهل کفر خواستارم.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته

روح‌الله الموسوی الخمینی

بار دیگر امام برای چندمین بار در طول ۱۶ سال اخیر از حمایت فلسطین و انقلابیونش در برابر امپریالیسم و زاده آن صهیونیسم پیامی فرستادند. درک شرایط پیچیده خاورمیانه و موقعیت جنبش فلسطین دقیقاً نشاندهنده سیاست درست امام میباشد.

موضع‌گیری امام در رابطه با صهیونیسم و کمک و یاری به‌انقلابیون فلسطین حاکی از بینش صحیح اسلامی ایشان و درک درست سیاسی از اوضاع منطقه و اهمیت پیروزی جنبش فلسطین در رابطه با تداوم انقلاب ایران میباشد.

بقیه در صفحه ۳

بزرگترین مشکل شورا، کارفرما و نهادهای وابسته بآن در داخل کارخانه است

گزارشی از کارخانه کاشی و سرامیک سعدی.

کارخانه اول جاده قم در خیابان انبار نفت قرار دارد صاحب کارخانه رضا کاشانی اخوان است که خود مدیرعامل و پسرش جلال کاشانی قائم‌مقام پدر میباشد. اینان علاوه بر سود سرشار کارخانه مقادیر هنگفتی هم حقوق مستمری از شرکت برداشت میکنند. نامبرده علاوه بر این کارخانه، کاشی حافظ در شیراز ــ فروشگاه بزرگ ایران و کارخانه کهکشان (بعنوان انبار) ــ زمین‌ها ــ باغ و ویلا ــ معادن ــ خانه‌های گران‌قیمت داشته که از حداقل دارائیهای مشهود وی میباشند.

رضا کاشانی مسلمان‌نمای دروغگوئی است که در جریان انقلاب پس از یک سخنرانی که به‌حمایت از رژیم شاهنشاهی کرد به‌لندن گریخته و بعداً وارد ایران میشود. این جناب در قبال کارخانه کاشی سعدی ۵۰۰ میلیون تومان از بانک‌های مملکت وام گرفته که کارخانه ابداً چنین ارزشی را ندارد.

وضع کارگران

تعداد کارگران کارخانه بیش از انقلاب حدود ۱۲۵۰ نفر بود (۳۵۰ نفر کارگر هندی و بنگلادش اخراج شدند)، کارخانه روزانه حدود ۵۰۰ الی ۶۰۰ هزار کاشی تولید میکرد ولی بعداز انقلاب تولید را از روزی ۶۰ هزار شروع و حالا روزی ۴۲۰ هزار عدد کاشی سفید الوان و دکوری توسط حدوداً ۹۰۰ نفر کارگر تولید میکند ۸۰ درصد کارگران (قبل از تعلق اضافه دستمزد) بین ۳۴۰ ریال تا ۶۰۰ ریال در روز حقوق میگرفتند اضافه دستمزدها بوسیله شورای اسلامی کارگری در میان کارگران تقسیم شد که بسیار مورد استقبال کارگران قرار گرفت و ناراحتی فقط از جانب سرپرستان و کارگران فنّی بوده.

بقیه در صفحه ۶

مباحث ایدئولوژیک دکتر پیمان (۶)

نفی خرید و فروش زمین در مدینه یک تغییر انقلابی بود

مهاجران در خانه‌های انصار

مهاجران پس از ورود به‌مدینه طبق توصیه رسول خدا

در خانه‌های انصار اقامت گزیدند ــ انصار که از مؤمنان راستین و مجاهد بودند از روی رغبت تمام «**نیمی از خانه‌های خود و نیمی از اموال خود را در اختیار مهاجران قرار دارند**»[5] به‌این اکتفا نکردند که هرچه اضافی دارند به‌برادران مؤمن ببخشند ــ فقر و کمبود آنچنان بود که غالباً قسمتی از خانه‌ها و اموال و اثاثیه که خود بدانها نیازمند بودند ــ به‌مهاجرین دادند ــ سهیم کردن آنان را در اموال و دارائی و خانه خود بر خویش فرض می‌دانستند ــ مهاجرین چنانکه گفتیم غالباً از محرومترین اقشار مکّه بودند و لذا چیزی با خود نداشتند انصار تحت‌تأثیر ایمان و روح اخوت و همدردی مهاجران را برخود ترجیح می‌دادند و ایثار می‌کردند.

فرق ایثار با انفاق

ایثار هر نوع بخشش و گذشتی را شامل نمی‌شود.

وقتی شخص مازاد بر احتیاج را می‌بخشد ــ ایثار نکرده است انجام‌وظیفه کرده ــ چیزی را که به‌امانت نزد او بوده است ــ به‌صاحبان واقعی بازگردانده ــ ردّ امانت کرده ــ از ارتکاب گناه (احتکار ــ کنز ــ اسراف و تبذیر) خودداری نموده است ــ این عمل انفاق است.

امّا ایثار وقتی است که شخص چیزی را که خود بدان نیازمند است به‌برادر مؤمن که بیش از او بدان احتیاج دارد می‌بخشد ــ انصار، مهاجران را برخود مقدّم شمردند و لذا مشمول این تعریف شدند و خداوند درباره آنان فرمود «.. ویؤثرون علی انفسهم ولو کان بهم خصاصه»

در همین‌باره امام در پاسخ شخصی که از حقوق مؤمنان نسبت بیکدیگر سؤال می‌کند بعد از چندبار که از دادن پاسخ اجتناب ورزید در اثر اصرار فرمود «نصف مالت را به‌او (برادر من) می‌دهی؟ بعد به‌چهره او نگریست (و تردید در وی مشاهده کرد) سپس گفت آیا نمی‌دانی خداوند از کسانی صحبت می‌کند که دیگران را بر خود ترجیح می‌دهند؟ گفت بله: فرمود اگر نصف را قسمت کنی هنوز او را بر خود ترجیح نداده‌ای ــ فقط

در صفحه ۲

اعلامیه جنبش مسلمانان مبارز بمناسبت سالروز شهادت امام علی

بنام خدا

امام علی اولین و مقاوم‌ترین انقلابی‌ای بود که در طول ۲۳ سال استمرار و تداوم مبارزه علیه نظام شرک و اشرافیت قریش در تمامی فراز و نشیب‌ها در کنار پیامبر شرکت داشت.

علی در طول سالهای سختی که مصلحت‌پرستان و منفعت‌طلبان را جرات کوچکترین مخالفتی با نظام حاکم نبود، تمامی ایمان و اخلاص خود را نثار پیشبرد نهضت میکند. در آن روزها که نهضت اسلام به‌همت و مجاهدات و به‌نیروی جانفشانیهای علی و یاران اندکش به‌رهبری پیامبر اسلام گسترش مییافت موقعیت نهضت مستحکمتر میشد و پایه‌های نظامی حاکم لرزان میگردید.

تعداد بیشتری از مصلحت‌پرستان برای حفظ منافعشان برای آینده و بعد از تحولات به‌نهضت گرویدند. تا سرانجام پس از مرگ پیامبر اسلام میدان برای تاخت‌وتاز فرصت‌طلبان باز شد و نهضت از مسیر اصلی خود منحرف گردید.

با حاکمیت ارتجاع مسیر انقلاب توحیدی منحرف میشود این انحراف ۲۵ سال بطول میانجامد و سرانجام حاکمیت ارتجاع با قیام توده‌های محروم و مستضعف در برابر حکومت عثمان ساقط میشود و توده‌ها امام علی را به‌رهبری و امامت خود انتخاب میکنند.

اما ارتجاع و عوامل هم‌دستش بیکار ننشسته و دست از توطئه‌چینی برنمیدارند. سیل اتهامات

بقیه در صفحه ۳

طرح ملی‌شدن صنایع به کجا کشید.!

با اعلام آقای نخست‌وزیر در «ملی شدن صنایع» امید آن بوده که گام مؤثری برای تحقق یک خواست مهّم انقلابی برداشته شود. و بتأکید ایشان آئین‌نامه اجرائی این قانون هم تنظیم شد. ولی با وجود تنظیم آئین‌نامه اجرائی از طرف وزارت صنایع و معادن، هنوز این لایحه جنبه قانونی نیافته و به‌تصویب شورای طرحهای انقلاب نرسیده و گویا فعلاً بایگانی شده است. و بی‌آنکه دلیل بایگانی شدن این سند مهّم و به‌مرحله اجرائی درآمدن سخنی از جانب دولت گفته شود، گفته می‌شود که بخاطر نفوذ بعضی از عناصر سرمایه‌دار و ارتباط آنها با مسئولین شورای طرحهای انقلاب و گفتار بعضی از مسئولین دولت که باید مشخص شود که آیا مالکیت این سرمایه‌داران وابسته «مشروع» بوده یا نه!؟ و... به‌مرحله قانونی در آمدن این طرح سازنده و انقلابی مسکوت مانده!؟

باید از مسئولین در دولت پرسید، که شما خود را وارث کدام اسلام میدانید!؟

اسلام علی و ابوذر، یا...!؟، آیا بنظر شما کمک به‌سرمایه‌داری وابسته که در حال حاضر از اصلی‌ترین پایگاههای امپریالیسم جهانی به‌سرکردگی امریکا به‌حساب می‌آید، از کدام بینش ناشی می‌شود.!؟

بنظر ما هرگونه سستی و اهمال در اجرای طرح «ملی‌شدن صنایع» قطعاً ضربه‌ایست بر انقلاب. و بدون اجرای این طرحها و خلع‌ید کامل از سرمایه‌داری وابسته، نابودی امپریالیسم و خلع‌ید از آن در کشور ما، ممکن نیست.

و اما، اگر دولت ما را بینش اسلامی آنچنان است، باید به‌جستجوی ابوذری بود و آن استخوان معروف، که تا آن یاران همدم سرمایه‌داران خونخوار را از نزدیکی مسئولین صادق در دولت بیرون انداخت.!

اطلاعیه جنبش مسلمانان مبارز

بنام خدا

اطلاعیهٔ جنبش مسلمانان مبارز

واعتصموا بحبل‌الله جمیعا ولا تفرقوا

در این روزهای حسّاس و سرنوشت‌ساز امام خمینی رهبر انقلاب اسلامیمان جهت تکامل انقلاب، همهٔ نیروهای متعهّد مسلمان را بوحدت دعوت نمودند.

بدون تردید برای مقابله با توطئه و دسیسه‌های امپریالیزم و ارتجاع و پس‌ماندگان رژیم سابق، راهی بجز تکیه بر نیروهای قدرتمند خلق مسلمان نیست. بهره‌گیری از این نیرو و هدایت آن در جهت تحقق آرمانهای بلند اسلامی و تأمین منافع مستضعفین تنها در سایهٔ وحدت همهٔ مردم و بالطبع کلیهٔ نیروهای مسلمان مترقی امکان‌پذیر است. جهت بحث پیرامون شرایط و یافتن راههای عملی جهت تحقق وحدت، جنبش مسلمانان مبارز از همهٔ افراد،

بقیه در صفحه ۳

روز قدس، روز پیوند مسلمانان جهان علیه صهیونیسم غاصب

بقیه از صفحه ۱

دشمنان انقلاب از دیدگاه علی

تجاوز بوجود آورید درس بزرگ آنها اینستکه اول خودتان را از اسارت نظام و فرهنگ فاسد و طبقاتی گذشته آزاد کنید تا نایستگی آزاد کردن جامعه‌تان را بدست آورید. این را می‌گویند مرحله خودسازی که بعد از مرحله آگاهی و بلافاصله با آن آغاز می‌شود خودسازی یعنی تغییردادن شخصیت و ماهیت خویشتن ــ عوض شدن ــ دور ریختن علائق پیشین، گسستن از هر چه مربوط به‌فرهنگ غیر توحیدی است بریدن از خودخواهیها، ضعف و ترس و زبونی غلبه بر یأس و بی‌اعتمادی، وداع با فساد و بی‌بندوباری و تبعیت کورانه از هواهای نفس ترک پرستش بتها، شخصیت‌ها، بریدان از جهل و رسیدن به‌آگاهی و خودآگاهی.

و خودسازی فقط در سایه عمل انجام می‌گیرد تنها با مطالعه مکتب در کتاب و در اطاقهای دربسته و در گوشه معبد و مسجد انجام نمی‌گیرد ــ باید آگاهی با عمل و جهاد و مبارزه همراه باشد تا به‌شعور و ادراک و فهم عمیق تبدیل شود ــ شعور اجتماعی و سیاسی و مذهبی داشتن غیر از معلومات سیاسی و دینی و اجتماعی داشتن است.

ممکن است فردی معلومات داشته باشد اما فاقد شعور اجتماعی باشد، نفع و زیان خود و جامعه را تشخیص ندهد، مکتب‌شناس باشد امّا روح مکتب را درک نکند ــ هدف و رسالت آنرا نشناسد ــ معلومات را با مطالعه می‌توان کسب کرد. شعور چگونه حاصل می‌شود؟ با عمل و با تجربه و لمس واقعیّتها و در کوره حوادث و امتحانات سخت و در برخورد با مشکلات و دشواریها و ناملایمات ــ علاّمه دهرپائی، اما تجربه عملی نداشته باشی در معرض ابتلائات سخت قرار نگرفته باشی بیفایده است ــ یک جو، شعور مذهبی و اجتماعی برای سعادت فردی و اجتماعی، از خروارها معلومات علمی، ترجیح دارد ــ چه بسیار علماء عالیقدر که از روی بیشعوری به‌سرنوشت خود و ملت و وطن خیانت ورزیدند و آنرا تباه ساختند، چه بسیار دانشمندان و اندیشمندان و تحصیلکرده‌ها که از روی بی‌شعوری راه انحراف پیش گرفته ــ از هوای نفس تبعیت کردند و حق را زیر پا نهادند و آخرت را به‌دنیا فروختند

نزول مکتب و شهادت علی

و اکنون ماه رمضان یادآور دو حادثه بزرگ است، اول نزول مکتب، بعثت رسول برای آگاهی دادن و خودسازی برای شعور یافتن دوم شهادت علی، قربانی جهل و بی‌شعوری و تجاوز و ستمگری ــ علی، مظهر عدل، تقوی، قسط، و برابری و مثل اعلای تربیت توحیدی قرآن است. از این رو سه دسته او را تحمل نمی‌کنند که می‌شناسیمشان. اوّل ستمگران، اشراف، برده‌داران و متجاوزان به‌حقوق عمومی، دشمنان آشکار و رویاروی خدا و خلق و به‌عبارت دیگر اهل زر و زور. دوّم ــ ریاکاران، آنها که بقول امام آخرت را برای دنیا می‌خواهند، دین را سپر و پوشش دفاع و جلب منافع می‌کنند به‌دنبال غنائم‌اند، در پی قدرت و جاه و مقام‌اند، طالب شهرت و بندهٔ نفس می‌باشند اما در ظاهر لباس دین و تقوی بر تن دارند ــ تا خلق را فریب دهند تا مشتشان باز نشود و شناخته نگردند.. یعنی اهل تزویر و سوم ــ انبوه کسانی که از قید مال و جاه آزادند، در پی نام و نشان و غنیمت و قدرت نیستند، و براستی طالب آخرت هستند و حاضرند دنیا را فدای دین کنند ــ در گفتار خود صادق‌اند و بی‌ریا ــ اما فقط یک عیب دارند یک عیب بسیار بزرگ که همان آفت جان و دین و ایمان آنهاست ــ همان که صداقتشان را بی‌اثر، ایمانشان را باطل، کوشش و فداکاری و اعمالشان را تباه و خنثی می‌کند ــ همان که دین و دنیا هر دو را از کفشان خارج می‌سازد ــ در همان حال که خود را در راه حق و مدافع حق می‌دانند، عَمَلَه ظلم و جور اند. در حالیکه خود را مجاهد راه حق و مکتب می‌شناسند شمشیرشان در خدمت شیطان است. یعنی خر مقدس‌های بیشعور!

الّذین ضلّ سعیهم فی الحیوة الدنیا و هم یحسبون انّهم یحسبون صنعاً و بر خلاف انتظار و تصور خودشان در نهایت امر و روز حساب اخسرین اعمالاً می‌باشند علی قربانی این سه اقنوم شوم گردید.

هیچیک او را تحمل نکردند و بعکس همه او را دشمن داشتند. زیرا علی بر ضد جور و ستم و استثمار بود، بر ضد تزویر و ریا و دروغ و نیرنگ بود بر ضد بیعدالتی و تبعیض و بیشعوری و قشری گری بود. آنان که در زمان فتنه‌ها سکوت می‌کنند نیز دشمنان علی هستند. علی حتی بر ضد گروه چهارمی هم بود که در برابر این معرکه سکوت اختیار کردند، در آن سه گروه نمی‌گنجیدند امّا از ترس و یا از روی مصلحت‌اندیشی به‌دفاع از حق بر نخاستند ــ حقیقت را قربانی مصلحت کردند ــ گوشه انزوا گزیدند و لب از گفتن حق فرو بستند و مسئولیت سنگین از دوش فرو هشتند، بعضی از اینان به‌نصیحت کردن اکتفا کردند، نصیحتی که مصلحت‌اندیشی و حقیقت‌کشی را توصیه و تبلیغ می‌کرد و علی در این میان آنها را هم با سرزنش و توبیخ می‌کند و مسئول می‌شمارد.

بیادشان می‌آورد که در معرکه حق و باطن بیطرفی و سکوت معنائی جز حمایت از باطل ندارد ــ در میان دو جبهه حق و باطن، جبهه سومی وجود ندارد، سکوت گناه است وقتی می‌بینی انحرافی رخ داده ــ ظلمی واقع شده حقیقتی فدا گردیده ــ اگر ساکت بمانی و گوشه عافیت و راحت برگزینی گناه کرده‌ای ــ در همه حال باید جانب حق را بگیری اگر چه به‌زیان تو باشد ــ علی در پاسخ نصیحت‌گران که او را به‌کناره‌گیری از معرکه دعوت می‌کردند چنین پاسخ می‌دهد: انّ مقالتک هذه شفقةٌ علی‌الناس و لکنّ‌الله یابی أن یُعصَی فی‌ارضه و اولیاءه سکوت ــ نصیحت‌تر از راه خیرخواهی مردم است اما خدا روا نمی‌دارد که در زمین او معصیت شود و دوستانش ساکت بمانند.

چهار دشمن آشکار و پنهان حق

و اکنون در شرایطی نه چندان متفاوت با شرایط بعد از پیروزی اسلام بر شرک و با مسایلی نه چندان متفاوت با مسائل زمان علی، یعنی شاهد ظهور و رشد هر چهار قشر و گروه هستیم ــ چهار گروهی که امام به‌زیبائی و فصاحت تمام معرفی و توضیح می‌دهد ــ چهار آفت انقلاب و مکتب ــ چهار دشمن آشکار و پنهان حق. بعضی دانسته و از روی قصد و اراده و بعضی ندانسته و از روی بیشعوری و جهل، بعضی خود می‌دانند که از خدای نفس خویش تبعیت می‌کنند و بعضی نمی‌دانند که اسیر سرپنجه آن هستند. اکنون مرزهای چهرههای سه‌گانه ضد انقلاب روشن‌تر می‌شود و راه فرار بر گروه چهارم می‌بندد.

در جبهه اول بازماندگان رژیم از صاحبان مقام و عنوان تا مالکان و سرمایه‌داران و اشراف درباری و نوکران استعمار بیگانه و زرداران و زورمندان، با تمام امکانات از تبلیغات و جنگ روانی و شایعه‌پراکنی، تفرقه‌اندازی، سمپاشی برای ایجاد ترس، یأس وحشت و ناامیدی تا حملات مستقیم و توطئه‌های خطرناک‌تر، سود می‌جویند ــ آنها هم که دانسته و آگاهانه منافع مادی یا قدرت‌طلبی خود را محور تصمیم‌گیریها و نظام اجتماعی قرار می‌دهند در همین جبهه یعنی جبهه قاسطین قرار دارند.

در جبهه دوم ــ عهد شکنان ــ آنها که تا دیروز در صف مردم بودند شعارهای مردمی دارند و حتی کم و بیش و محافظه‌کارانه با دشمن جنگیدند و امّا هرگز چون مجاهدان و مؤمنان راستین خود را در متن معرکه جهاد قرار ندادند و اکنون بیشتر تابع هوایای شخصی هستند تا انگیزه‌های مکتب، بیشتر در پی پشت و مقام، عنوان و جاه و شهرت و محبوبیت هستند تا تامین منافع مستضعفان و محرومان ــ از مردم و از منافع محرومان صحبت می‌کنند از انقلاب و مکتب حرف می‌زنند امّا در عمل و در باطن مصالح و منافع شخصی را در نظر دارند

این گروه نام مکتب را، انقلاب را وسیله قرار می‌دهند و می‌خواهند رهبری را بدست گیرند و انقلاب را بسود خود هدایت کنند و می‌کنند سرمایه‌داران ظاهرالصلاح، مالکان انقلابی!، رباخواران متدیّن! صاحبان مستغلات و سرمایه‌ها که با ته‌ریشی و رفت‌وآمد بخانه علمای دین و دادن اعانه و کمک به‌بیت‌المال مسلمین و تظاهر به‌دین و انقلاب همه در جبهه تزویراند. ظاهراً بر ضد گروه اول هستند اما در عمل راه آشتی و سازش با آنان و پیروزی‌شان را هموار می‌کنند ــ این گروه اگر از قید جاه‌طلبی، محافظه‌کاری، میل به‌سازش و حفظ قدرت و کسب ثروت آزاد نشوند خواه ناخواه در سراشیبی خیانت به‌انقلاب و مردم و سازش با دشمن سقوط خواهند کرد.

و گروه سوم را هم داریم، تعداد زیاد از پیرو جوان ــ و همه صادق و مومن به‌انقلاب و مکتب و رهبری و دور از ریا و تظاهر و تزویر و آماده فداکاری و جانبازی ــ اما فاقد بینش مکتبی و شعور سیاسی و درک درست مسایل و مصالح و در نتیجه بازیچه بازیگریهای گروه دوم (اهل تزویر). آلت دست و ابزار قدرت است و خود نمی‌داند در خدمت باطل است فکر می‌کند از حق دفاع می‌کند ــ همان‌ها که بر روی علی چماق و شمشیر کشیدند ــ و او را بنام دین و دفاع از قرآن و قانون خدا، متهم ساخته گفتند منحرف است، به‌انحراف و کفر و شرک دچار شده است ــ گفتند باید توبه کند و امروز هم این گروه، مؤمنان راستین، را با همین نوع اتهامات مورد حمله و تهاجم قرار می‌دهند. همین گروه آلت دست جاه‌طلبان، فرصت‌طلبان و اهل تزویر و ریا می‌شوند ــ تبعت کورکورانه از تبلیغات و تلقینات آنها می‌کنند و موجبات رشد و قدرت آنان را فراهم می‌سازند

ماه رمضان، ماه عبارت و آموزش قرآن است ماه خودسازی است به‌امید آنکه در پرتو تعالیم قرآن و سنت رسول خدا و تجربه‌ها و آموزشهای امام علی‌بن ابیطالب و با مسئولیت‌هایمان آشنا شویم از قید هواهای نفس آزاد گردیم، شیطان را در تمام چهره‌هایش بشناسیم و در دفاع از انقلاب اصیل اسلام و مکتب نجات‌بخش آن مصلحت‌اندیشی نکنیم از سرزنشها، اتهامات نهراسیم و علی‌وار در همه حال مدافع زحمتکشان، محرومان و مستضعفان و طرفدار حق باشیم

والسلام

> ● از سرزنشها، اتهامات نهراسیم و علی‌وار در همه حال مدافع زحمتکشان، محرومان و مستضعفان و طرفدار حق باشیم.
>
> ● علی مظهر عدل، تقویٰ، قسط، و برابری و مثل اعلای تربیت توحیدی قرآن است.
>
> ● چه بسیار علماء عالیقدر که از روی بیشعوری به‌سرنوشت خود و ملت و وطن خیانت ورزیدند و آنرا تباه ساختند.
>
> ● در معرکه حق و باطل بیطرفی و سکوت معنائی جز حمایت از باطل ندارد

بقیه از صفحه ۱

مباحث ایدئولوژیک

با او مساوی شده‌ای موقعی او را بر خود ترجیح داده‌ای که از نصف دیگر هم به‌او بدهی»

تردید اولیه امام در پاسخ دادن به‌سؤال وی برای آن بود که اطمینان نداشت خصلت و ایمان یک مؤمن واقعی را داشته و قادر به‌قبول و تحمّل مناسبات توحیدی باشد.

ممکن است بعضی بخواهند اهمیت این تحول را نادیده بگیرند و آنرا در حدّ یک توصیه اخلاقی تنزّل دهند.

ولی اگر شرایط و مناسبات حاکم بر جامعه آنروز عربستان و دیگر ممالک جهان را در نظر آوریم که مالکیت اشرافی و فئودالی و سلطه شاهان و امپراطوران و خانواده‌های اعیان و صاحب قدرت رسمیّت داشت اگر پیغمبر اسلام می‌خواست در چارچوب نظام اجتماعی زمان مسئله مسکن مهاجران را حل کند، لازم بود از انصار بخواهد خانه‌ها و اطاقهای اضافی خود را در اختیار مهاجران بگذارند و پول آنرا بعدها، یا به‌اقساط دریافت کنند و یا کرایه دهند. امّا تا وقتی پول ندارند از درخواست آن خودداری نمایند. ولی پیغمبر اسلام تمام روابط کهنه نظام مبتنی بر مالکیت خصوصی را زیرپا می‌گذارد ــ از فروش و اجازه صحبت بمیان نمی‌آورد که نهی هم می‌کند ــ از مردم دعوت می‌کند تا مازاد از هرچه دارند به‌برادران خویش ببخشند.

نفی خرید و فروش زمین و خانه و همچنین کرایه و اجاره دادن در مدینه یک اقدام اصلاحی نیست که یک تغییر بنیادی و انقلابی است

منع تملک خصوصی حریم مدینه

اصولاً قلمرو جامعه توحیدی پیامبر ــ حرام و به‌عنوان ملک عموم شناخته شد این قلمرو در آنروز محدوده شهر مدینه بود و به‌فرمان رسول خدا استفاده و تملک خصوصی از این قلمرو منع گردید.

«از اباعبدالله (ع) سؤال کردم آیا پیامبر مدینه را حرام کرد؟ فرمود بله چهار فرسخ در چهار فرسخ و یا به‌تعبیری تا شعاع چشم‌انداز و از جمله درختهای آن ــ پرسیدم صید آن هم؟ پاسخ فرمود مردم دروغ نمی‌گویند»[7]. همچنین از امام صادق (ع) نقل است که فرمود «نزد زیاد بودم و ربیعه با او بود ــ زیاد گفت رسول خدا (استفاده خصوصی) از مدینه را تا چه حد حرام کرد ــ ربیعه جواب داد: از این چشم‌انداز تا آن چشم‌انداز (یا چهار فرسخ در چهار فرسخ) سپس زیاد پرسید **آیا در زمان رسول خدا میل‌ها* وجود داشت؟** ربیعه سکوت کرد و جواب نداد، زیاد بطرف من برگشت (امام صادق) گفت ای امام شما چه می‌فرمائید؟ گفتم. رسول خدا آنچه را بین دو موضع شرق و غرب مدینه قرار دارد حرام کرد ــ پرسید یعنی چه مقدار؟ گفتم آنچه بوسیله دروازه قبا محاط شده، گفت از درختها چه مقدار حرام کرد. گفتم، از کوه عیر تا کوه وعیر»*[8]

دلائل دیگر نشان می‌دهد که تحریم تنها محدود به‌موارد فوق نبوده است علاوه بر خانه، معامله روی زمین هم منع شد و کرایه‌دادن مغازه نیز همانند خانه‌ها ملغیٰ گردید.

در روایتی به‌نقل از امام صادق (ع)، گفته می‌شود «وقتی پیامبر به‌مدینه وارد شد ــ با پا خطی بدور آن کشید و سپس فرمود خدایا هرکس خانه‌های خود را بفروشد به‌او برکت نده» شیخ صدوق این حدیث را با اضافه این مطلب نقل می‌کند که «فرمود، هرکس قطعه زمینی را بفروشد به‌او برکت نده»[9]

مغازه و بازار همانند مسجد ملک خداست.

از امام صادق نقل است که فرمود «امیرالمومنین فرمود بازار مسلمین همانند مسجد آنهاست. پس هرکس (صبح) زودتر مکانی بدست آورد تا شب در استفاده از آن بر دیگران مقدم است و نیز فرمود که آن حضرت از مغازه‌های بازار کرایه نمی‌گرفت»[10]

امام صادق هم خود این مطلب را جداگانه اعلام کردند که «بازار مسلمین مانند مسجد آنهاست. یعنی هرکس زودتر ببازار رفت همان حقی را دارد که زودتر به‌مسجد می‌رفت».

این اصل دلالت بر آن دارد که در مدینه مغازه‌های شهر در مالکیت خصوصی افراد نبوده و کرایه و اجاره رواج نداشته است و این ترتیب در هرجا که جامعه اسلامی بوجود می‌آمده، برقرار و اجرا می‌شده است.

اینکه گفته شده هرکس زودتر ببازار رفت و مکانی را اشغال نمود تا شب حق تقدم در استفاده از آن دارد، دلیل است بر اینکه مغازه‌ها در ملکیت خصوصی افراد نبوده است تا برسم معمول در همه‌جا تنها صاحب مغازه حق دارد هر موقع و بهر ترتیب که مایل بود حق استفاده از آن را داشته باشد. تشبیه بازار با مسجد بسیار پرمعنا است مسجد خانه خداست و در ملکیت خصوصی کسی در نمی‌آید ــ همه مسلمین حق استفاده از مسجد را دارند ــ هرکس زودتر بمسجد آمد و در محلی برای عبادت اقامت گزید ــ بر نفر بعدی مقدم است و تا وقتی آنجا را ترک نکرده، حق وی محفوظ است این حق فقط برای همان‌مدت که در آنجا مقیم است محفوظ می‌باشد روز بعد حق از آن کسی است که زودتر آمد و اشغال کرد، مالکیت نیست که همچنان پا برجا بماند ــ از مسلمین در ازاء استفاده از مسجد کرایه و اجرت نمی‌گیرند ــ بازار هم مانند مسجد است مکانهای آنها ملک خدا یعنی برای استفاده عموم است و هرکس زودتر مکانی را برای عرضه و فروش کالای خود اشغال کرد بر دیگران حق تقدم دارد و کرایه دادن هم معمول نیست ــ به‌اضافه معلوم می‌شود مسئولیت و متولی‌گری بازار که ملک عمومی است با امام و پیشوای جامعه است و حضرت علی که دارای چنین مسئولیتی بود ــ از مردم کرایه نمی‌گرفته است ــ در صورتیکه بنا به‌حق ولایت می‌توانستند وجهی برای بیت‌المال دریافت کنند ولی از این کار اکراه داشته است[12].

اینکه حضرت از اخذ کرایه اکراه داشته است نشان میدهد بازار در ملکیت عمومی و در اختیار حکومت اسلامی بوده است و امام در صورت لزوم و احتیاج جامعه می‌توانسته مبلغی به‌عنوان مالیات دریافت کند ــ روشن است که نگرفتن کرایه از مغازه‌دار نه تنها در کار فروشنده تسهیلات بوجود می‌آورد که مآلاً به‌نفع مصرف کنندگان هم هست زیرا از بالا رفتن قیمت اجناس جلوگیری بعمل می‌آورد.

عمومیت مناسبات توحیدی

گذشته از این معلوم می‌شود این ترتیبات مختص به‌مدینه و زمان رسول خدا نبوده و هرجا جامعه اسلامی و پیشوای بر حق وجود داشته ــ اجرا می‌شده است ــ گزارش و فوق مربوط به‌زمان زمامداری حضرت علی بن ابیطالب است که قاعدتاً در کوفه اقامت داشته‌اند.

زمینهای مکّه هم حرام بوده و کرایه گرفتن ثابت خانه و مغازه رایج نبوده است ــ بدلیل موقعیّت خاص مکّه ــ مدتی گذاشتن و نصب در برای خانه‌ها معمول نبوده است در نهج‌البلاغه است که امام می‌فرماید «به‌اهل مکّه دستور بده که از کسانی که در خانه‌های آنان اقامت دارند، اجازه نگیرند ــ خدای سبحان می‌گوید. (در آن اهل مکه با کسانی که اهل آن نیستند، مساویند) **پس عاکف، کسی است** که مقیم مکه است و باد از غیر اهل مکه است که برای حج بسوی آن می‌رود»[13]

در مدارک دیگر هم تصریح شده است که کرایه دادن و فروختن خانه‌های مکه حرام گردیده است[14]

چنانکه گفتیم، خانه‌های مکّه بخصوص فاقد در بوده است تا مردمی که برای انجام مراسم حج به‌آن شهر می‌روند در آنجاها فرود آیند و مناسک حج را انجام دهند... و معاویه اول کس بود که در محل ورود به‌خانه خود در مکه در نصب کرد. امام صادق فرمودند «معاویه اولین کس بود که در محل ورود به‌خانه خود دو لنگه در گذاشت و مانع استفاده کسانی شد که برای حج به‌خانه خدا می‌آمدند ــ (در حالیکه) خداوند عزووجل فرموده (در آن اهل مکه و غیر اهل آن مساویند) و هروقت مردم به‌مکّه وارد می‌شدند. بر اهالی مکّه فرود آمده و تا پایان دیدار از خانه خدا در همانجا مقیم می‌شدند»

و در جای دیگر می‌فرماید «برای خانه‌های مکّه در نبود، در مردم شهرها یا اثاث خود بداخل خانه‌ها می‌آمدند و از آن استفاده می‌کردند و معاویه اول کسی بود که برای خانه‌اش درگذاشت»[15]

و در جای دیگر مجدداً تاکید می‌کنند که «حضرت علی اهل مکه را نهی کرد که خانه‌هایشان را اجاره دهند و یا در بر آنها نصب کنند و فرمود (در آن اهل مکه و غیر اهل آن مساویند*) و امام ادامه می‌دهد که ابوبکر، عمر، عثمان و علی تا زمان معاویه همین قسم رفتار کردند»

ممکن است تصور شود این ترتیبات مختص مکّه بود که مسجدالحرام و خانه کعبه در آن قرار داشت ــ درست است که بعضی ویژگیهای مکّه مختص آنست لکن مناسبات حاکم بر مکّه ــ برهر شهری که از قلمرو شرک و حکام ستمگر و طاغوتها آزاد می‌گردید ــ جاری می‌گشت ــ چنانکه دیدیم در مدینه هم اراضی و خانه‌ها و مغازه‌ها در ملکیت عموم بود ــ در کوفه هم در عصر خلافت امام علی ــ همین ترتیبات اجرا می‌شد. امام صادق می‌فرماید (امیرالمومنین ــ درود خدا بر او ــ فرمود مکّه حریم خدا و مدینه حریم رسول خدا و کوفه حریم من است و هر جبّار ستمگری بخواهد تغییری (ترتیبات تازه‌ای) در آن بدهد خدا او را در هم می‌شکند[17] ــ عین همین گفتار از حضرت رسول نقل است که فرمود «مکّه حریم خدا است همانا که ابراهیم مکّه را حرام کرد و مدینه حریم من است همه آنچه بین دروازهٔ شهر محصور است ــ حریم است ــ درختهای آن نباید قطع شوند»[18]

خانه آزاد شده ــ خانه مردم

مکّه را هم از آن جهت عتیق گفته‌اند که از قلمرو شرک و حاکمیت و مالکیت غیرالله آزاد گردید و به‌قلمرو مالکیت و حاکمیت الله وارد شد. امام باقر این معنا را تصریح کرده‌اند، از ایشان سؤال می‌شود چرا خانه کعبه را خداوند عتیق نامیده است ــ امام می‌فرماید: آن خانه‌ایست آزاد ــ آزاد شده از (دست و ملکیت) مردم بطوریکه کسی مالک آن نمی‌باشد[19] و اولین خانه‌ایست که برای مردم قرار داده شد ــ (انّ اوّل بیت وضع لِلّناس) ــ آل‌عمران ۹۰ ــ و این سخن بسیار با معنا و شورانگیز است تا بوده جبّاران و صاحبان قدرت بر همه چیز تسلط داشته‌اند و مردم محروم و محکوم همیشه تاریخ، کشور، خانه، زمین، مزرعه، مغازه،

در صفحه۴

تا برقراری جامعه بی‌طبقه توحیدی نهضت ادامه دارد

بقیه از صفحه ۱

همبستگی مسلمانان...

بمبارانهای وحشیانه اخیر اسرائیل بر جنوب لبنان که به‌شهادت و کشته شدن بسیاری از انقلابیون و مبارزین و مردم بی‌گناه این منطقه منجر گردید موجب گشت با توافقی که بین جنبش ملی لبنان و مقاومت فلسطین انجام گرفت انقلابیون فلسطینی، آن قسمت از تجهیزات و پایگاههایی را که در جنوب لبنان دارند به‌شمال منتقل نمایند. اگرچه ابتکار با توافق طرفین بود، اما در جهت یکی از طرحهای ضد فلسطینی امپریالیسم ـ صهیونیسم میباشد. باین ترتیب که وجود نیروهای فلسطینی در جنوب لبنان و عملیات انقلابیشان از این طریق، همیشه باعث خشم صهیونیسم بوده و بهر کوشش برای ریشه‌کن کردن فلسطینی‌ها از جنوب لبنان اقدام کرده است. ایجاد جنگ داخلی در لبنان، اشغال جنوب لبنان، اعزام سپاه «صلح» سازمان ملل و علم کردن سرگرد حدّاد، هیچیک نتوانست مقاومت انقلابی جنبش فلسطین را در جنوب لبنان درهم بشکند. امپریالیسم و صهیونیسم راه دیگری چاره کردند و آن ایجاد اختلاف بین نیروهای فلسطینی و جنبش ملی لبنان میباشد. در همین مسیر، با تبلیغات زیاد به‌یماران شدید جنوب لبنان پرداخته و دلیل آنرا وجود فلسطینی‌ها قلمداد کرد. تا باین طریق نیروهای فلسطینی مجبور شوند بشمال رهسپار شوند، آنگونه که شدند. و در شمال هم با اتخاذ شیوههای تفرقه‌افکنانه به‌جدایی ایندو نیرو نائل گردد تا مقاومت نیروهای فلسطینی را درهم بشکند. اما تنگ‌نظری تاریخی امپریالیسم و صهیونیسم آنها را از درک این مسئله که رهبری مقاومت فلسطین خط‌مشی آنها را از پیش دانسته، و همچون دفعات قبل در برابر حیله‌های آنها سیاست‌های درست اتخاذ خواهد نمود، عاجز کرده است.

در مقاله دیگری (سیاست خارجی امت شماره ۱۵) اهمیت رابطه عملی و همبستگی ارگانیک انقلاب اسلامی ایران و جنبش آزادیبخش فلسطین را متذکر شدیم و خاطرنشان کردیم که ضوابط را در سیاست خارجی نباید فدای روابط نمائیم. و بخاطر رابطه با یک گروه کوچک نباید به‌کل جنبش فلسطین که منافع مسلمانان جنوب لبنان را نیز در بردارد پشت نمود. و حمایت مسئولین امور بخصوص وزارت امور خارجه از جنبش فلسطین نباید تنها «معنوی» باشد، که در عمل انقلابی معنویت انقلابیشان بیش از من و شما میباشد.

بیت‌المقدس ـ سرزمین وحدت ادیان توحیدی

با توجه به‌توضیح سیاسی در رابطه با تشخیص صحیح و بموقع امام در این مقطع از اوضاع خاورمیانه و اما آگاه شدن از طرح امپریالیسم و شرایط فعلی خاورمیانه سیاست حمایت «عملی» دولت اسلامی ایران را برانگیزد وگرنه ضربه به‌جنبش فلسطین ضربه‌ای بر انقلاب اسلامی ایران خواهد گردید. امپریالیسم و صهیونیسم قصد دارند تا با ایجاد اختلاف بین نیروی انقلاب فلسطین و جنبش لبنان، فلسطینی‌ها را مجبور به‌هجرتی دیگر نمایند. این مطلب هم روشن است که فلسطینی‌ها دیگر نمیتوانند دستجمعی حرکت نمایند و میبایست پراکنده شوند و این همانست که دشمنان فلسطین و انقلاب اسلامی ایران خواهانند.

بدین خاطر تخصیص «روز قدس» نه صرف یک شعار و نمایش بلکه بخاطر درک از حساس‌بودن این مقطع از مبارزات مردم فلسطین و رهبری آن میباشد، و همبستگی که امام برای این روز مطرح نموده‌اند نمی‌باید در یک روز خاتمه پذیرد ـ بلکه باید آغازی از یک «عمل مشترک» در برابر دشمن مشترک یعنی امپریالیسم و صهیونیسم گردد...

جنبش فلسطین، جا دارد به‌اهمیت قداست بیت‌المقدس از نظر مکتب نیز اشاره‌ای بنمائیم. شهید شریعتی درباره معراج و اسراء حضرت محمد (ص) مینویسد، «پیغمبر دو نقش دارد یکی نقش انسان‌سازی که در مسیر تکامل وجودی انسان است. و انسانها تحت‌تأثیر این نقش، خویشتن خویش را، بودن خود را، تکامل ذاتی و جوهری و تعالی روانی میدهند، مسلمان میشوند... و دیگری نقش افقی پیغمبر در مسیر تکاملی تاریخ است... باین معنی که پیغمبر میگوید: «من وارث آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی هستم» یعنی نقش تاریخی خود را بیان می‌کند... معراج بیانی رمزی از نقش پیغمبر در اتصال وجودی انسان را زمین بطرف خداست. مسئله دیگر اسراء پیغمبر و حرکت شبانهٔ او از مسجدالحرام به‌مسجد الاقصی است... که محمد بزرگترین دعوتش بر اساس ایجاد یک وحدت تاریخی و یک وحدت بشری بین سه مذهب موسی، عیسی، و اسلام خودش است... سرچشمه و سمبل مسیحیت و یهود بیت‌المقدس است، بنابراین مسجدالاقصی مظهر و رمزاید و دین میباشد، مظهر اسلام هم مسجدالحرام است بنابراین پیغمبر با اسراء خویش از مسجد الحرام به‌مسجد الاقصی پیوستگی بین دو قبلهٔ مذاهب بزرگ توحیدی را میخواهد اعلام کند... و همچنین یک زیربنای رمزی برای ایجاد وحدت بین همه مذاهب توحیدی و یک جبهه‌گیری مشترک در برابر شرک است. بنابراین معراج یک بحث فلسفی درباره حد ارتفاع وجودی و تکامل وجودی انسان است و اسراء یک بحث تاریخی و اجتماعی است. (زمینه شناخت قرآن، شهید شریعتی، صفحه ۵۶-۵۱)

با توجه به‌اهمیت اسراء ویژگی بیت‌المقدس از نظر مکتبی بعنوان یک مکان مقدس و محلی برای ایجاد رابطه با دیگر ادیان توحیدی که دچار شرک پنهان گردیده‌اند آشکار و اهمیت لزوم آزادی بیت‌المقدس و در اختیار گرفتن آن بوسیله مسلمانان آزاده واضح‌تر میگردد. اگر در حد مثال در نظر بگیریم اشغال بیت‌المقدس بوسیله حکومت غاصب اسرائیل همچون اشغال مکّه بوسیله دولتی است که از ارتباط مسلمین در مراسم حج جلوگیری نماید. بیت‌المقدس و در میان آن مسجدالاقصی ـ در حد پائین‌تری ـ برای ادیان توحیدی از چنین اهمیت برخوردار میباشد. آزاد کردن بیت‌المقدس علاوه بر اینکه آزادی یک ملت مسلمان را در بر دارد. همچنین زمینه‌ای برای زدودن شرکت ناپیدا از ادیان توحیدی را ایجاد مینماید.

انتخاب روز قدس با ماه قدر بسیار متناسب است. میبایست روز قدس را در این ماه قدر بگونه‌ای ادامه دهیم تا به‌قیامها، و انقلاب فلسطین منجر گردد. حمایت ما از فلسطین باید با دوّل منطقه متفاوت باشد وگرنه باید اذعان کنیم که یا این جنبش را قبول نداریم و یا خود از کمک بآنها عاجز هستیم. که در هر دو حال راه به‌ترکستان داریم.

میثم

آیت‌اله طالقانی هنوز می‌خواهیم به‌یکدیگر حاکمیت داشته باشیم

روز جمعه ۱۳۵۸/۵/۱۹، مراسم نماز جمعه با شرکت بیش از یک‌میلیون نفر در دانشگاه تهران بامامت حضرت آیت‌اله طالقانی، اقامه شد. حضرت آیت‌اله طالقانی در خطبهٔ دوم خود چنین فرمودند:

... قضاوت درست از همین مردم است. آن مردمی که می‌توانند حرف را درست بفهمند، آنهائی هستند که تحت تأثیر مکتبی و نظاماتی و قوانین غیرالهی واقع نشدند. آنهائی که خون میدهند، آنهائیکه صدای انبیاء را درست می‌فهمند درک می‌کنند با تمام شعورشان همین مردم اُمی هستند. درس‌خوانده‌های ما اغلب گرفتار چهارچوب دیدهای مکتبی خودشان هستند، آنهائیکه در نظامات دنیا واقع‌اند، اینها تحت تأثیر قدرتهای طاغوتی‌اند و سایهٔ این قدرتها بر فکر و اندیشه و فطرتشان گسترده شده، مگر به‌این زودیها می‌توانند باور کنند، مگر جامعه ما اکثراً می‌تواند به‌این زودی باور کند که جامعه‌ای آزاد و باید رو به‌ترکیه برود هنوز سایه طاغوت و شرک و شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله در اکثر افکار باقی است. باید یک تسلی، یک‌دوره‌ای و یک‌تحولاتی تا بتدریج این رسوبات برطرف شود، تا ترکیه بشوند این درگیریها، این دعواها، این جنگها، این ناوریها، این دروغ گفتن به‌یکدیگر، شهرت‌طلبی ما، اینها همه آثار سایه طاغوت است. یک نظامی فرو ریخت ولی گردوغبارش هنوز در چشمهای ما هست... هنوز ما می‌خواهیم به‌یکدیگر حاکمیت داشته باشیم، آن حزب بآن حزب، آن جمعیت بآن جمعیت، آن فرد به‌آن فرد.

... هدف نهایی چیه؟ همه دارای عقل صحیح بشویم، همه درست قضاوت کنند، همه، همه چیز را درست بفهمند، کتاب، قوانین، نظامات زندگی، سنن عالم را خوب درک کنند و عقلهٔ و افکار شکوفا بشود و دارای حکمت، عقاید محکم، اخلاق محکم، پابرجا، ریشه‌دار، این نتیجه بعثت این پیغمبر اگر اجتماع را می‌خواهد از ظلم و استثمار و استعمار پاک کند تنها این نیست که خوب بخورند. تنها این نیست که همه زندگیشان از جهت مادی مرفه بشود. این مقدمه است، تزکیه مقدمه است برای یک هدف نهائی و عالی و آن تعالی انسانها به‌طرف علم و حکمت. این دید ماست، این مکتب ماست.

... ما مسئولیت سنگینی داریم، نه مسئولیت اجتماع خودمان، بلکه مسئولیت رهبری دنیا. این دنیای متحیر، این دنیای شرک و بت‌پرستی شرکها، بت‌پرستیها، ماده‌پرستیها، شاه‌پرستیها در اثر حرکت در اثر جلو رفتن بشر اینها خودبخود همه سقوط کردند و می‌کنند ولی یک شرک در دنیا فعلاً سایه افکنده و آن ماده‌پرستی است. ماده‌پرستی بتمام معنا اصالت، مادهٔ مفروض یا مظهر ماده پول و سرمایه، مسلمانهای دنیا امروز یک همچنین رسالتی دارند که از این شرک قرن، مردم دنیا را نجات دهند.

بقیه از صفحه ۱

اعلامیه جنبش مسلمانان مبارز بمناسبت سالروز

تبلیغاتی علیه امام علی براه میافتد و آنچنان این تبلیغات مسموم در اذهان توده‌های محروم جایگزین میشود که بهنگام تنسیق ماجرای شهادت امام، با حیرت میپرسند علی در محراب؟ علی و نماز!

آری این سنت تاریخ است، انقلابات توحیدی را مومنان راستین و فداکار با تحمل سالهای فشار، خفقان و شکنجه به‌پیروزی میرسانند. اما مصلحت‌اندیشان، فرصت‌طلبانه به‌میوه‌چینی انقلاب می‌نشسته‌اند و قدرت را قبضه میکرده‌اند و بهمین جای نیز اکتفا نکرد. و مومنان بلادیده و شکنجه کشیده را بی‌مذهب و ضد مذهب میخوانند.

سرانجام با همکاری و طمع‌کاری «ناکثین» و قدرت‌پرستی و انحصارطلبی «قاسطین» و بینش متحجر و نظرات دگم «مارقین» امام علی به‌شهادت میرسد.

با تجربه‌اندوزی از زندگی سراسر انقلابی امام علی، شهادتش را به‌پیشگاه امام خمینی و به‌خلق مبارز ایران و به‌تمام انقلابیون راستین تسلیت میگوئیم.

رسوا و نابود باد توطئه‌های ننگین ارتجاع
مستحکم باد پیوند نیروهای اصیل اسلامی

جنبش مسلمانان مبارز
۱۳۵۸/۵/۲۰

ازصفحه ۱

آزادی..

در شرایط جامعه ما، که سالهای سیاه استبداد رژیم شاهی را گذرانیده است و هر گونه ابراز نظر و عقیده‌ای، اگر در جهت منافع طبقات حاکم نبود، با زندان و شکنجه و گلوله پاسخ گفته میشد، باید زمینه استقلال فکری، برای آزاداندیشی و تحقق آزادی به‌بهترین وجهی ایجاد گردد، تا با وحدت مردمی و پیروی از شعار قرآن «در شنیدن همه اقوال و پیروی از بهترین آن» جامعه‌ای بسازیم، آزاد و آباد. جامعه‌ای آزاد، یعنی جامعه‌ای که زمینه‌های رشد استعدادهای فطری و انسانی هر فرد بطور طبیعی و بی‌هیچ سانسور و اعمال قدرت و سلطه‌ای فراهم باشد. شک نیست که برای تحقق یک جمهوری اصیل اسلامی، استقلال و آزادی چه در بُعد فردی و چه در مقیاس اجتماعی آن ضرورتی حیاتی دارد. و استقرار جمهوری اسلامی، جامعه‌ای می‌طلبد که افرادش به‌یک انتخاب آگاه و آزاد رسیده باشند.

مطبوعات و تعهد قلم

آنچه که محک و معیار یک مطبوعات انقلابی است، تعهد قلم است، و شرکت انسانهای متعهد و با تقوای انقلابی که در نگارش چنین مطبوعاتی دست داشته باشند. چه اگر باز همان رجاله‌هائی که قلم را به‌نان و نام» می‌زدند و جوهر قلمشان، عفونتهای مسموم‌کننده را به‌رگ و پوست جامعه تزریق میکرد، و خود بهترین توجیه کننده نظام طاغوتی گذشته بودند، امروز هم بر سر کار آیند و بنام ارباب مطبوعات خوانده شوند. بهترین زمینه برای رشد ضد انقلاب و انحراف در جهت انقلاب خواهند شد. اینست که امروزه بسیاری از عناصر فرصت‌طلب و لیبرال منش‌های وابسته به‌سرمایه‌داری جهانی، بنام «آزادی» هر خود فروخته‌ای را در میدان مطبوعات، متعهد می‌نامند، تا مگر آب را به‌آسیاب اربابانشان هدایت کنند. در اینجا است که نقش دولت بعنوان پاسدار ضوابط انقلاب، اهمیت خاصی پیدا می‌کند. که باید حامی و طرفدار کسانی باشد، که متعهد به‌انقلاب و آرمانهای مردمند، اگر چه سخت‌ترین انتقادات را بر او وارد سازند. و کوبنده جبره‌خوارانی باشد که بنام مقدس‌ترین و ارزشمندترین سلاح انسانی و انسانیت یعنی «قلم» میخواهند نان بخورند و صاحب نام شوند، اگر چه اینان بهترین تمجید کنندگان و چاپلوسان از دولت باشند. وظیفه دولت در این لحاظات حساس حمایت از مطبوعات و قلمی است که «ارشاد و افشاء» اصول و اصولی می‌نماید. و در هم کوبنده مبلغان دروغین و وابستگان به‌نظام ضد مردمی باشد. ولی آیا دولت ما پاسداری اینچنین است..؟ و پیروی از چنین منطقی دارد!؟

گذری به‌مطبوعات

بعد از سرنگونی رژیم گذشته، انتظار به‌حق از دولت موقت آن بود که، ضوابط اصولی مطبوعات را همراه «بحث و اقناع» با صاحبان مستعهد قلم و کسانیکه در سالهای سیاه اختناق، پیگیرترین مبارزات را از راه قلم تداوم بخشیدند، تعیین و تصویب می‌کرد، تا امروز دیگر میدان برای رنگین‌نامه‌ها و ننگین مجلاتی که بنام «آزادی» مطبوعات بخش می‌شود، نباشد. مجلاتیکه تنها محتوای فکریشان بازاریابی از راه تبلیغ عکس‌های خانواده شاه سابق و مراسم عیش و نوش و بزم درباریان است، و ایجاد زمینه‌های ضد فرهنگ اصیل اسلامی و آموزش مصرف همان کالاهای سرمایه‌داری و فرهنگ ضد مردمی و استعماری می‌باشد. اگر رادیو و تلویزیون ما، بعنوان مهمترین وسیله ارتباط جمعی، از آغاز میدان آزادی و بدون سانسور و مستقلی برای بیان عقاید سازنده می‌بود و صف قلم متعهد و مطبوعات آزاد، از خیل قلمها و مطبوعات وابسته جدا میشد، کار به‌اینجا نمی‌کشید که، آقایان «جیغ و داد»، «آهنگر» و... بازار دهنکجی را بجای انتقاد سازنده گسترش دهند، و عمیق‌ترین ضربات و خدشه را به‌صفوف متحد مردم، همراه با لجن پراکنی به‌اشخاص وارد سازند و بجای رشد فکری جامعه، اصولی‌ترین و جدی‌ترین مسائل حیاتی انقلاب را به‌مضحکه بگیرند. راستی، مسئول اینچنین هتاکی به‌موازین انقلاب کیست..!؟

تعطیل روزنامه

این نوشته کوتاه را قصد حمایت از نشریه خاصی نیست، چه دفاع از حقوق پایمال شده افراد و گروهها در جامعه ما در وهله نخست بر عهده دولت موقت است، که بنام دولت موقت انقلاب اسلامی، لاجرم باید دولتی ملی و حامی حقوق از دست رفته مردم باشد، متاسفانه در تعطیل روزنامه آیندگان در هفته گذشته و در موارد دیگر برخورد دولت آنچنان است که (نه سیخ بسوزد و نه کباب) و سعی دارد از کنار واقعه به‌آرامی و بی‌صدا بگذرد. ما در امت شماره ۱۴ مقاله «لایحه مطبوعات» مرزبندی و حدود یک مطبوعات آزاد را مطرح ساخته‌ایم، ولی اینکه یکباره آقای دادستان، بدون حکم محکمه قضائی، آنهم تنها به‌استناد گذشته نشریه، که اسنادش آنچنان آشکار است، که «چه حاجت به‌بیان باشد» و تازه این مدارک کی بدست شما رسید و مگر در همان آغاز انقلاب شما از همه اینها بی‌خبر بودید. روزنامه را تعطیل و واموالش را مصادره شده اعلام نمودند.

چنین برخوردی غیراصولی است و نقض آزادی مطبوعات که هشدار خطرناکی است برای همه آنهائیکه میخواهند متعهدانه به‌ارشاد و افشاء بپردازند. بررسی روزنامه آیندگان از بعد از پیروزی انقلاب خود بحثی جداگانه می‌طلبد، که فراز و نشیب بسیار دارد. و باید با حرکت و بحثی اصولی انحرافاتش افشاء و برخوردهای اصولی‌اش را تشویق و ارشاد کرد.

اما آنچه که باید هر چه زودتر روشن شود، پایان بخشیدن به‌این هرج و مرج‌های مختلف در جریان مطبوعاتی است و اینکه مرزبندیهای مشخص برای یک مطبوعات آزاد و متعهد از نظر دولت موقت انقلاب چیست؟ تا روشن شود که خیانت به‌اصول انقلابی در کجاست..!؟ و آیا انحرافات و نقض اصول انقلابی را قاطعانه افشاء کردن، و تناگوی هر حرکتی به‌هر حال و به‌هر صورت نبودن. و شخصیت‌ساز و شخصیت‌پرست نشدن. در چهار چوب مطبوعات متعهد و آزاد است..!؟ و یا اینکه قلم را به‌نرخ روز زدن و برای نام‌آوری نوشتن!؟

بقیه از صفحه ۷

گزارش ـ مصاحبه مطبوعاتی

کردستان، گنبد، بلوچستان و خوزستان است که متأسفانه تاکنون کمتر کفایتی در دستگاههای مسئول رسیدگی به این قضایا دیده‌ایم. به‌حدی که‌دیرنیست با دخالت ارتش‌یک‌فاجعه‌ملی‌وجنگ‌داخلی سرنگیرد. حال اینکه‌به شهادت‌تمام‌تاریخ این‌مسائل هیچگاه با دخالت‌ارتش و به قیدخونریزی قابل حل نیست. وانگهی کدام‌ارتش‌است که درعین خونریزی و کشتار مردم بی‌پناه بازهم از مشروعیت برخوردار باشد؟

حال اینکه اگر بایک‌دیدگاه‌واقع‌گرایانه مردمی‌وانقلابی و اسلامی به‌مسأله ملیت‌ها نگریسته شود، مشکل‌را می‌توان‌بدون‌کمترین دخالت ارتش و قوای قهریه به‌جانب حل سوق داد. راه‌حلی درقالب تمامیت‌ارضی خدشه ناپذیر جمهوری اسلامی‌و عاری‌ازهر صبغه تحزبیه طلبانه‌که‌بی‌تردیدتمام‌نیروهای انقلابی نیز در مسیر آن‌بهرگونه‌کمک و همکاری آمادگی خواهند داشت.

با احترام

جنبش ـ جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران (جاما)

جنبش مسلمانان مبارز ـ سازمان اسلامی شورا (ساش)

سازمان مجاهدین خلق ایران

بقیه از صفحه اول

اطلاعیه

گروهها، سازمانها و احزاب اسلامی تهران و شهرستانها تقاضا دارد در جمع علاقمندان به‌وحدت نیروهای مترقی و انقلابی که در پنجشنبه آینده ۵/۴ر۵۸ در محل زیر تشکیل می‌شود حضور یافته و نقطه نظرهای خود را جهت اطلاع عموم توضیح دهند.

محل برگزاری ـ خیابان بهار ـ نبش نامجو، دفتر هفته‌نامهٔ امت

زمان ـ هر پنجشنبه ساعت ۵/۳۰ بعدازظهر

جنبش مسلمانان مبارز
۷۸ر۴ر۵۸

درود بر آیت‌اله طالقانی، مجاهد نستوه

دریا اگر نخروشد دریا نیست!

گفتند:
دریا خموش باید!
که:
موج اگر شکفد بر آب
با تندباد و تندر و طوفان
در فصلهای شورش باران
ویران کند کرانه آرام را
گفتیم:
استواری دریا در جوشش است
در جوشش است که دریا
طعم عظیم هستن را
در بطن هر بلور
ابراز میکند
و میشکوفاند پرواز ماهیان را در آب
گفتند باز:
آیا هوای تندر و طوفان را دارید؟
آنها همیشه در کمینند
که در تلاطم امواج
سهمی برای خویش بیابند.
گفتیم که:
دریا با موج و باد می‌ماند
کفهای هرزه ناپایدار را
تا ساحل زبونی
می‌راند.
گفتند پس:
کشتی را دریابید!
که در تلاطم امواج
طوفان شرقی و غربی
خواهد شکست.
گفتیم:
کشتی نوحی باید!
که غرقه در هجوم گرانبار
با ناخدای خدا یار
بر قله رفیع رهائی راند
آرام و پایدار.
باهم:
دریا مشو آرام!
با موج بر توان خویش
بر صخره‌های حامی مردابها بکوب
مرغان و ماهیان سبکبار با تواند
در حرکت است که بودن تکرار میشود.

م. چوکا

پاسخ به نامه‌های رسیده

خواهر جمیله از جهرم

نامه پرمهر شما را دریافت نمودیم. ارسال مقالات شما با محتوی غنی‌تر مارا خوشحال خواهد نمود. فکر می‌کنم در این زمینه مطالعه کتب اسلام‌شناسی چاپ مشهد، محمد خاتم پیغمبران چاپ ارشاد و از هجرت تا وفات بسیار مفید باشد.

برادر ش ــ م از تبریز

از شما تشکر می‌نمائیم. برادر عزیز سعی انسانهای متعهد همواره باید تمیز مرز بین گله‌های «روشنفکرانه» و انتقادات اصولی باشد. درد شما امروز در مقیاس وسیعی در جامعه مطرح است. اما اینرا هم باید بدانیم که ارتجاع با تکیه بر جهل مردم می‌تواند حکومت کند. بنابراین رسالت عمده روشنفکران مکتبی و اصیل، آگاهازی توده‌های مردم است، و در این راه، در یک رابطه متقابل بالا بردن دانش خود در عمل میباشد. اما طرح مطالبی را که در مقاله «دوران تجدید بنای ایدئولوژی...» آورده شد، در آینده ادامه خواهیم داد موفق باشید.

برادر اصغر خداپرست

ما شعار «جامعه» بی‌طبقه توحیدی می‌دهیم و نه «اسلام» بی‌طبقه توحیدی بنابراین سئوالهای بعدی را از آنها که شعار «اسلام بی‌طبقه توحیدی» می‌دهند بفرمائید.

خواهر مهناز از چالوس

دریافت نامه شما موجب خوشحالیمان گشت. متأسفانه واقعیات روز بیانگر همان است که شما مطرح نموده‌اید. امّا در همین کوره سازنده ابتلاء است که مومن از غیرمومن مشخص می‌گردد و با همین مقاومتهاست که می‌توان مشعل فروزان ایدئولوژی اصیل قرآنی را روشن نگاهداشت باز هم برایمان بنویسید.

برادر عزیز الف ــ حسینی از پادگان قصر

برای آگاهی از مواضع ما در رابطه با مسئله انتخابات و حزب مورد نظر شما به‌سر مقاله امت شماره گذشته و بیانیه جنبش مسلمانان مبارز در این زمینه بهمان شماره رجوع کنید.

نامه‌های رسیده

گزارشی از چگونگی انتخابات در منطقه آباده

بنام خدا

اینبار ادامه انقلاب در مجلس خبرگان و انتخابات متجلی گردید. بر اساس تحلیلی که از انقلاب و مردم داشتیم باین نتیجه رسیدیم که انتخابات سرتاسری برای مجلس خبرگان بدلایل عمده زیر نمیتواند کاری اصولی باشد.

۱ ــ ازبین نرفتن نهادهای طاغوتی در افراد

۲ ــ عدم شناخت صحیح مردم از کاندیداها

گزارش زیر اجمالی از جریانات انتخابات منطقه آباده در استان فارس میباشد که تا حدودی نمایانگر ادعایمان است.

الف) جریانات قبل از انتخابات

چند روز قبل از انتخابات سه جریان که تعیین‌کننده محتوی انتخابات بود رخ داد:

۱ ــ یک اعلامیه بامضای ۲۰ نفر از روحانیون منطقه آباده در سطح وسیعی پخش شد که در آن از مردم دعوت شده بود که به‌چهار نفر از کاندیداها که مشخص کرده بودند رای بدهند.

۲ ــ یکی از همین روحانیون توسط بلندگوی سیار مردم را برای دادن رای به‌همان چهار نفر تشویق میکرد.

۳ ــ یک اعلامیه دیگر در سطحی وسیع پخش گردید و به‌مردم تکلیف کرد که باید به‌همان چهار نفر رای بدهند.

با توجه بویژگی روحانیت (نفوذ در مردم) طبیعی بود که با چه منظره‌ای در حوزه‌های اخذ رای روبرو خواهیم شد.

ب) جریانات انتخابات

۱ ــ عده کثیری از عوام که نقش تعیین کننده در انتخابات را دارند یا در دست داشتن اعلامیه‌های فوق به‌حوزه‌های انتخاباتی رجوع کرده و خواستار نوشتن اسامی آنها در برگ انتخاباتی شدند و در بعضی موارد که اسامی فوق را در دست نداشتند در نتیجه مراجعه به‌بعضی افراد مشخص نهایتا به‌همان چهار نفر میرسید.

۲ ــ غالبا در محلهای اخذ رای بوفور از همین اعلامیه‌ها دیده میشد. و بعضی از اعضای مسئول اخذ رای مستقیما در نوشتن رای دخالت میکردند و در جاهائیکه مورد اعتراض قرار می‌گرفتند به‌معترضین مارک کمونیست و ضد انقلابی زدند.

۳ ــ در یکی از دهات اطراف آباده بنام فیروزی عده‌ای صریحا آرائی را که بجز این چهار نفر بوده باطل کرده و بجای آن همان آراء کذائی را بصندوق ریخته‌اند.

فردای آنروز نتایج این انتخابات آزاد که همان چهار نفر بودند اعلام شد.

اما ما بجای این شکل کار معتقد به‌انتخاب افراد از طریق شوراها خصوصا در سطح روستاها و کارخانه‌ها میباشیم. انتخاباتی که در نهایت حاکمیت مردم را جامه عمل میپوشاند. با این همه بلحاظ وضعیت حساس و سرنوشت‌ساز این انتخابات شرکت فعال در آن لازم مینمود.

«امضاء محفوظ»

عروج

محمود پرویزی

«اینک این روز» خندیدم و گفتم «کدام روز؟» و انگار که جلوی آینه باشم و بخواهم (د) دربیاورم شکلی دیگر به‌صورتم گرفتم و دوباره مثل گوینده‌ها تکرار کردم «اینک این روز». نخندیدم. سرم را بالا بردم و چشمم را به‌آسمان دوختم. آسمان از پشت سرم از چند تپه آنطرفتر از تپه‌ای که بربالایش قرار داشتم شروع می‌شد و تا نه شهر آن پائینها ادامه داشت. بالای سرم آبی آبی بود اما هر چه از من فاصله می‌گرفت تو گرد و غبار و دود شهر آبیش کمتر میشد تا آن پائینها که اصلاً به‌خاکستری میزد «خوب! حالا باید چه کار کرد؟» سئوالی بود که خودم هم جوابش را نمی‌دانستم یک مرتبه دلم خواست خودم را تشریح کنم، چشمهایم را بستم و با دست صورتم را لمس کردم «چشمهای درشت و گود رفته که پای هر کدامش یک هلالی نشسته، هلالی باریک و فرو رفته، گونه‌های تکیده، موهایی با فرهای درشت، چانه‌ی باریک و لبهای نسبتاً کلفت و ورقلمبیده، ابروهای....» ابروهایم چگونه بود؟ هر چه لمسشان کردم نتوانستم بفهمم «خوب یک فرمی هست مثل همه ابروهای دیگر» با خودم فکر کردم چه کار بیهوده‌ای می‌کنم اینکه نباید مرا بخود مشغول دارد «حالا این تو، این بلندی، این هم روز» حالا من بودم و بلندی و روز، اصلاً برای همین آمده بودم بالا. برای همین از پائین بریده بودم و آمده بودم این بالا تو را بچشم ببینم، اما نمی‌فهمیدم چه مرگم است، اولش اینطور نبود، اولش التهاب دلچسبی تو وجودم داشتم، شوق و شوری می‌لرزاندم و التهابم را می‌افزود و بعد یک مرتبه شور و شوق و التهابم مثل حبابی ترکید، وارفتم، خالی شدم و یک چیزی، یک چیز مبهم جای شور و شوق و التهاب ریخت تو دلم و حالم را جور دیگری کرد. کوفتش بزند که چه ناشناس و غریب بود، غریبیش مخم را میخورد «باید گریخت! باید از آن گریخت!» بله این فکر خوبی بود می‌باید از این گنگِ غریب ناشناس گریخت. و به‌نور و روز و روشنایی فکر کرد، خوب برای همین آن بالا بودم، برای اینکه روز و نور را لمس کنم. برگشت زدم به‌گذشته تا سختی راه را بیاد آورم و آن بار را که پایم لغزید و ولو شدم وسط راه و اگر دستم را به‌آن سنگ بند نمی‌کردم با تمام شور و شوقم به‌آن پائین درمی‌غلتیدم و شاید الان روحم به‌این بالا پرواز کرده بود، وقتی بلند شدم سوای درد و کوفتگی، سستی هم تو وجودم راه پیدا کرده بود «برای چه؟ آخرش که چه؟ برو فکر نان باش» اینرا آن موقع به‌خودم گفتم که سستی‌ام را افزود و میل به‌برگشتن را تو دلم قوّت بخشید و خواستم برگردم، اما آن شور و شوق همان شور و شوقی که نور و روز و روشنائی را تو وجودم می‌طلبید به‌نجاتم آمد و دوباره براه آمدم و راه نور را در پیش گرفتم. «خوب این هم از سختی و خطر و میل به‌نور، حالا چه؟ این روز و این نور و این بلندی» این حرفها دوباره آن احساس مبهم را تو ذهنم علم کرد، نگاهی به‌نور انداختم به‌نظرم آمد که انگار با من حرف دارد داد کشیدم «آی روز، آی نور» صدایم تو بلندی پیچید و دوبار خراب شد روسر خودم. یعنی این همه زحمت، و رنج هجرت بیهوده بوده؟ پس کو آن احساس شور و شوق، آن حس دیدن نور، دیدن و ایستادن و محو شدن و هیچ کاری نکردن؟ این حس کجاست؟ باید یک جائی تو این وجود کوفتی‌ام باشد همین وجودی که الان عبثش می‌پندارم، امان از این وجود نحیف و بی‌برکت! چه مرگت است؟ آن شور و شوقت کدام گوری رفته؟ دوباره و باتمام وجود داد کشیدم «آی روز، آی نور» و پیش از آنکه صدایم تو بلندی پیچد و برگردد روی سرم خراب شود گوشهایم را سخت چسبیدم. دیدم نمیشود از هیچ راهی از آن احساس کوفتی که غریب و گنگ و ناشناس بود، فرار کرد. گفتم «تسلیمم» تسلیم به‌چیزی که نمی‌دانستم چیست، فقط می‌دانستم جای شور و شوقم را گرفته، برگشتم نگاهی به‌پشت سرم انداختم، بربالای بلندترین تپه ایستاده بودم، اینرا که تو ذهنم مرور کردم شادی زود گذری به‌لبانم تلخ خندی داد و ستاند. نگاهم را به‌بالاتر دوختم، قله‌ای سرسخت و محکم در بلندای آسمان برجای ایستاده بود، چه استوار و شوق‌انگیز، عجیب بود که تا آنموقع متوجه‌اش نشده بودم با شوری دیگر خیره‌اش ماندم و بی‌اختیار برایش دست تکان دادم، آن احساس مبهم که غریب و گنگ و ناشناس بود داشت تو وجودم گم میشد و شور و شوق و التهابی دیگر به‌پروازم می‌آورد.

سبزه

آن سبزه
کز ضخامت سیمان گذشت
و قشر سنگی را
در کوچهٔ شبانهٔ بابل
تا منتهای پردهٔ بودن
شکافت
آن سبزه زندگانی بود

آن سبزه زندگانی بود
و بای باطل تو
بای بویناک
با کفشهای کور
آن سبزه را شکست
آن سبزه
رویش آزادی
آن سبزه
آزادی بود

طاهره صفارزاده
سفر پنجم ۵۶ ــ ۱۳۵۱ از کتاب حرکت و دیروز

بقیه از صفحه ۲

مباحث ایدئولوژیک

دریا، رودخانه، همه از آن شاهان، مالکان، فراعنه، امپراطوران و رؤسا بوده است ــ انبیاء مشوّق و رهبر مردم در قیامهای آزادیبخش توحیدی‌اند ابراهیم بنیانگذار اولین جامعه توحیدی به‌امر خدا اولین خانه را برای مردم پی‌ریزی می‌کند که نشانه‌ای باشد از یک آرمان و مکتب ــ از یک عقیده خانه‌ای برای مردم نمونه‌ای از آنچه باید بدست مردم انجام گیرد. تا همه خانه‌ها و همه سرزمین از آن مردم شود ــ از این‌رو از همه مردم خواسته می‌شود از همه جا پیاده و سواره و بهر نحو که توانستند به‌این خانهٔ آزاد و خانهٔ خدا ــ مردم رو بیاورند و آنچه را خدا برای آنها نازل کرد از رحمت و نعمت خویش مشاهده کنند. «و اذّن الناسَ بالحج یأتوک رجالاً و علی کلّ ضامرٍ یأتین من کلّ فج عمیق لیشهدوا منافع لهم» حج ۲۸ر۲۹. به‌مردم برای زیارت خانه خدا نداده تا بسوی تو آیند پیاده و یا بر هر شتر لاغری، از هر درهٔ عمیق و دوری تا منافع خویش را مشاهده کنند.»

توده‌های تحت ستم، بردگان و محرومان، بشریت محکوم ــ بیایند و نمونه‌ای از جامعه آزاد و عاری از ظلم و ستم توحیدی را که خداوند وعده داده است و انبیاء پرچمدار حرکت بسوی‌آن هستند. به‌بینند و منافع زندگی برادرانه و در تساوی و اشتراک و زیرحاکمیت الله را مشاهده کنند مزه شیرین زندگی آزاد از سلطه جبّاران و پرستش طاغوت‌ها را بچشند. آنجا که همه‌چیز از آن خدا و از آن همه مردم است در خانه‌هایش آزادانه و بی‌مانع و رداعی می‌شود اقامت کرد، از نعمت‌هایش بهره‌مند شد و همه در تساوی و برادروار بدون تبعیض و تفاوتی بسر می‌برند ــ قشرها و طبقات، افراد و گروهها فاقد امتیازات خاص از جمله مالکیت و حاکمیت‌اند خانه و سرزمین متعلق به‌ناس ــ مردم ــ است ــ مردم صرفنظر از وابستگی به‌هر قشر و گروه و قوم و نژاد خاصی ــ طبقات حاکم و محکوم، مالک و مملوک، استثمارگر و استثمار شده، سلطه‌گر و تحت‌سلطه وجود ندارند ــ «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکرٍ و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا انّ اکرمکم عندالله آتقیکم ان الله علیهم خبیر» حجرات [۱۲]

(ای مردم، شما را زن و مرد آفریدم و سپس تیره‌ها و اقوام مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید (شناخته شوید و بشناسی) مسلماً گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقوی‌ترین شماست و خدا به‌احوال شما دانا و آگاه است)

در این آیه نه فقط تبعیض و اختلاف بر مبنای قومیت و نژاد و خون و رنگ، نفی می‌شود و با تأکید روی وحدت منشاء همه انسانها برابری آنها را نتیجه می‌گیرد ــ اختلاف در تقوی و شخصیت معنوی را هم عاملی برای اختلاف در بهره‌مندی از حقوق و تکالیف اجتماعی نمی‌شناسد. نمی‌گوید هرکس با تقوی‌تر است از مزایای اجتماعی بیشتری بهره‌مند است و باید سهم بشری از بیت‌المال دریافت کند یا خانه‌اش بزرگتر باشد یا از کار کردن معاف گردد ــ نه چنین شخصی نزد خدا و خلق خدا از دیگران گرامی‌تر است ــ بلندی مقام و منزلت وی نزد خدا فرجام نیکوتری را تضمین می‌کند ــ بهمین دلیل است که سهم همه افراد از بیت‌المال صرفنظر از منزلت معنوی و سوابق آنها در جهاد و مبارزه و درجه تقوا و علم آنها، مساوی بود. و پیامبر و امام علی تفاوتی در این‌باره بین اشخاص مختلف قائل نمی‌شد ــ «الخلق کلهم عیال‌الله فاحبّ الخلق الی الله احسن الناسِ الی عیاله» (مردم همگی خانواده خدا هستند ــ محبوب‌ترین آنها نزد خدا خدمتگزارترین به‌خانواده اوست» [۲]

در اینجا نیز همه مردم صرفنظر از هرعامل اخلاقی، اعضای خانواده خدا شمرده شده‌اند یعنی تبعیض بین آنها روا نیست و تفاوت در ارزشهای معنوی است که آنهم آثارش در فرجام و سرنوشت هر شخص ظاهر می‌گردد

ادامه دارد

زیرنویس
* احتمالاً یک واحد طول است
* غیر و وعیر نام کوهستانی در مدینه است
* سواء الفاکف فیه و الباد ــ قرآن

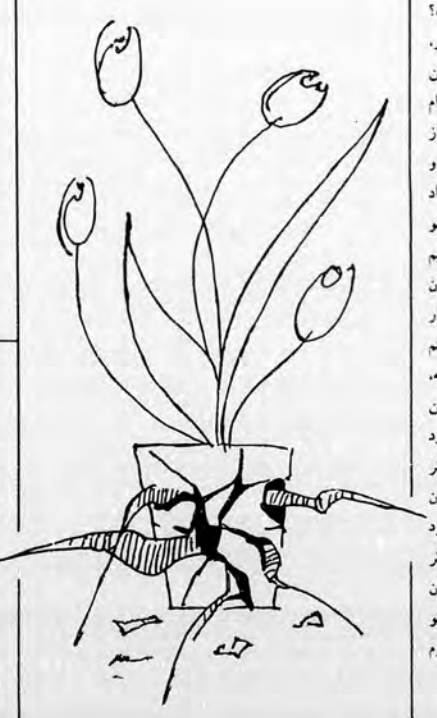

معرفی یک نشریه

نشریه ایدئولوژیک "اندیشه اسلامی" منتشر شد. این نشریه که حاوی مطالب وزین و آموزنده‌ای می‌باشد در سخن آغازین خود متذکر می‌شود که "... در جامعه ما بتدریج عادت براین قرار میگیرد که مردم آنچه را که بنام اسلام عرضه می‌شود تنها با نیروی ایمان بپذیرند و تقریبا "کاری به تفکر و اندیشه دربارهٔ آن نداشته باشند. ..." و نتیجه‌استمراریافتن‌چنین‌خلاءای را بدرستی چنین پیش‌بینی می‌کند "... عرضه نشدن بحث وخالی ماندن فضای فکری جامعه از قیل و قال و چون و چرای تفکر و تأمل، دیر یازود موجب آن‌خواهد شد که‌ایمان به اسلام که امروزچنین‌معجزه هائی می‌آفریند بتدریج‌ازنشاط لازم محروم شود و تبدیل به تعصب کور گردد. ..."

و بدین ترتیب انتشاراین‌نشریه‌راگامی در راه پرکردن این خلاء و مسائل جانبی آن می‌دانند. انتشار "اندیشه‌اسلامی" را به دست‌اندرکاران آن تبریک می‌گوئیم و آرزوی هرچه پربارتر شدن آنرا داریم.

نابود باد امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع

کارگران اقدام به تشکیل شوراهای مخفی در کارخانه‌ها نموده‌اند

گزارشی از کارخانجات ریسندگی و بافندگی اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

سابقه صنعت ریسندگی و بافندگی در اصفهان به گذشته‌های دور می‌رسد. این صنعت یکی از سنتهای ملّی بوده که با ابتکار و خلاقیت و ایجاد ماشینهای دستی نیازهای خود را برآورده می‌کرد.

فعلا در اصفهان تعداد زیادی کارخانه ریسندگی و بافندگی وجود دارد که حدود ۹۰ درصد صنعت این شهر را تشکیل می‌دهد.

مواد اولیه این صنعت پنبه و الیاف مصنوعی (ویسکوز) و برای انواع دیگر بافندگی پشم و ابریشم می‌باشد که پنبه مورد نیاز از داخل کشور تأمین می‌شد (و می‌تواند شود).

[پنبه در نواحی شمالی ایران، گرگان و گنبدکاووس کشت می‌شود] بر اثر سیاست غلط رژیم گذشته و زدوبندهایی که با دیگر کشورها می‌کرد پنبه ایران را به قیمت ارزان صادر و درعوض پنبه آن کشورها را با قیمت گران وارد می‌نمود.

ویسکوز که یکی از دیگر مواد اولیه می‌باشد فعلاً از کشورهای خارج بخصوص ژاپن وارد می‌شود. (چند سالی است که کارخانه پلی اکریل در ایران تأسیس شده است و در آینده می‌توان با تأسیس کارخانه‌های دیگری که این مواد را تولید می‌کنند کلیه مواد اولیّه مورد احتیاج این صنعت را در داخل تأمین نمود).

کارخانجات واقع در اصفهان که به این صنعت اشتغال دارند ــ به سه دسته تقسیم می‌شود ۱ ــ ریسندگی ۲ ــ بافندگی ۳ ــ ریسندگی و بافندگی کارخانجات بافندگی بدو صورت وجود دارد ۱ ــ متمرکز ۲ ــ غیرمتمرکز در این بخش خرده کارفرماهایی با داشتن چند عدد ماشین در گوشه و کنار شهر مشغول بکار می‌باشند[1] این خرده کارفرماها که نسل اندر نسل فرزندان بافندگان قدیمی می‌باشند با داشتن مقدار کمی سرمایه دست به خرید این ماشینها زده و با کار مستمر و دائم زندگی خود و چند کارگر و یا اغلب، خود و خانواده‌اش تأمین می‌شود.

توضیح: ۱ ــ کارخانجات ریسندگی: این کارخانجات که به صورت متمرکز[2] می‌باشند بوسیله سرمایه‌داران داخلی ایجاد شده و مواد اولیه آنها مستقیماً بوسیله خودشان از خارج وارد می‌گردد و دولت در این امر فقط سود گمرکی و بازرگانی می‌گیرد و نظارتی ندارد و سرمایه‌دار نیز برای واردکردن مواد اولیه در اطاق بازرگانی اعتبار باز می‌کند. سرمایه‌دار نخ خود را در بازار آزاد بفروش می‌رساند و یا به صورت قرارداد به کارخانجات بافندگی می‌فروشد.

۳ ــ ریسندگی و بافندگی: این کارخانجات خود مستقیماً امر تولید نخ را بعهده دارند و بوسیله دستگاههای خود بعضی از نیازهای بافندگی را رفع می‌کنند و بقیه را در بازار آزاد می‌فروشند (تا در دست بافندگان غیرمتمرکز قرار گیرد) البته چون تولید پارچه آنها از نوع اعلا می‌باشد نخ آن را از خارج وارد می‌کنند (چون بیشتر سود دارد) (تا اینکه پارچه وطنی تولید کنند).

ماشین‌آلات:

بطور کلی ماشین‌آلات سه بخش متمرکز از خارج (کشورهای اروپای شرقی و غربی بخصوص ایتالیا) وارد می‌شود که این کار زیرنظر وزارت صنایع و معادن می‌باشد و سرمایه‌دار باید در آن وزارتخانه اعتبار باز کند. ماشین‌آلات این کارخانجات برای انطباق با صنعت جهانی چند سال یکبار عوض (مدرن و اتوماتیک) می‌شود ولی بطور کلی از نظر صنعت جهانی نوع ماشینهای آنها پیشرفته نیست.

ماشینها و دستگاههای بخش غیرمتمرکز به دو دسته تقسیم می‌شوند الف ــ دستی که در داخل ساخته می‌شود و محلّی است ب: ماشینی، که توسط ریخته‌گران ایرانی از روی مدلهای دستی ریخته و ساخته می‌شود، مدل این ماشینها از نظر جهانی: الف: دستی: چند قرن پیش حدود سالهای انقلاب صنعتی انگلیس ب: حدود ۶۰ سال پیش، ساخته شده است.

نخ تولیدشده در کارخانجات ریسندگی در بازار آزاد بدست واسطه‌ها که نقش اساسی در توزیع و قیمت‌گذاری نخ را دارند، بدست خرده کارفرماها و کارگران محلی می‌رسد و آنان پس از تولید، پارچه را در بازار بفروش می‌رساند حال بخش اصلی مورد تحقیق یعنی نقش واسطه‌ها، خرده‌کارفرماها و کارگران بافنده (در قسمت غیرمتمرکز) و وضع زندگی و کار و شرایط کار آنها و بالاخره راه‌حلها می‌پردازیم.

واسطه‌ها:

این افراد بعلّت داشتن پول زیاد تولیدات نخ کارخانجات را پیش‌خرید می‌کنند و سرمایه‌دار که فقط در پی سود و فروش بیشتر و مطمئن‌تر می‌باشند لاجرم تولیدات خود را به این واسطه‌ها و دلالها (بنکداران) می‌فروشند.

الف رابطه واسطه با کارخانه‌دار طبیعی است که کارخانه‌دار بدلیل بالا به واسطه روی می‌آورد و واسطه برای ایجاد تمرکز ثروت و نهایت با بقیه واسطه‌ها و در اختیارگرفتن نبض فروش کالا و تنظیم قیمت آن (به سود خود) سعی بر این دارد که تجارت کالای مورد نظر را در انحصار خود گرفته و هرچه بیشتر بر سرمایه خود بیفزاید و این امر بدلیل عدم تثبیت قیمت نخ می‌باشد بهمین علل رابطه واسطه و سرمایه‌دار بسیار دوستانه و با اهداف مشترک می‌باشد.

ب: نقش واسطه در تورم اقتصاد و رابطه او با کارگر:

گفتیم که واسطه انحصار تجارت نخ را دارد و بدلیل رابطه با کارگر و کارفرمای خود عامل توزیع‌کننده می‌باشد با توجه به اصل الف، واسطه و کارخانه‌دار حربه‌هایی بکار می‌برند از جمله:

۱ ــ احتکار: با در نظرگرفتن رابطه اساسی اقتصادی یعنی عرضه و تقاضا مهمترین حربه در این امر مسئله احتکار می‌باشد و منحصربودن فروش نخ به این امر کمک مهمّی می‌کند در نتیجه این انحصار، واسطه انبارهای خود را از نخ پر می‌کند و در بازار کمبود مصنوعی بوجود می‌آید (و بطور غیرقانونی از این طریق بر قیمت نخ می‌افزاید) این امر باعث تقاضای زیاد و عرضه کم می‌گردد و این امر باعث افزایش قیمت نخ از طرف واسطه می‌گردد[1].

۲ ــ همچنین هنگامی که از نظر رقابتی با دیگر واسطه‌ها یا سندیکای کارگران و خود آنها برای ورشکست‌نمودنشان قیمت نخ را وارد می‌کند.

۳ ــ با وجود تقاضای زیاد در شهر اصفهان واسطه‌ها نخ را به شهرهائی دیگر از جمله شیراز صادر می‌کنند تا بدست کارگر نرسد.

۴ ــ در موقع ترس از بازرسی انبارها بوسیله دولت نخ‌ها را با سفته‌های ۳ یا ۴ ماهه به کارکرد کارفرما می‌فروشند و نخها را به خانه آنها روانه و انبار خود را خالی می‌کند و در صورت دیرکرد پول سفته او با بهره بیشتر از کارگر می‌گیرد و یا اموال او را مصادره می‌کند.

۵ ــ برای معلوم شدن سود (زیاد) نخ را به دو قیمت از کارخانه می‌خرد بار اول نخها را انبار می‌کند و بعد کلیه نخها را به قیمت دوم می‌فروشند و با نیرنگ و ریا منکر خرید دفعه اول می‌گردد.

۶ ــ دلالها و واسطه‌های کوچک: هنگامی که واسطه اصلی از طرف دولت احساس خطر می‌کند برای مدتی دست از کار می‌کشد و از فروش نخ خودداری می‌کند تا اتهامی به او وارد نشود درعوض دلالها و بُنکداران کوچک را راه انداخته و چند بقچه نخ به قیمت گران به کارگر می‌فروشند و سود اصلی را می‌برد. و دیگر حربه‌هایی که به قول برادران کارگر پس از ۵۰ سال کار هنوز ناشناخته مانده‌اند.

فعلاً بر اثر نفروختن نخ به کارگر فشار زیادی وارد می‌آید و بیشتر آنها بیکار شده‌اند (به هر قیمت که واسطه بخواهد کارگر باید نخ از او بخرد چون انحصار تجارت در دست اوست).

و از دیگر حقه‌ها و کلکها، تقلب و دروغگویی از جمله دستبرد در دستخط امام و چاپلوسی پیش ایشان برای استفاده بیشتر می‌باشد.

از مشخصات کارخانه‌داران و واسطه‌ها رابطه عمیق، با رژیم سابق می‌باشد که استادی از معامله آنها با ساواک نیز در دست است همچنین کارخانه‌داران سهام کارخانه را به اسم خانواده خود کرده‌اند که در صورت ملی‌شدن لطمه‌ای به آنان نخورد.

اکنون به وضع کارخانجات غیرمتمرکز، شرایط کار، وضع کارگر و مشکلات آنها میرسیم:

علت وجودی کارخانجات غیرمتمرکز ۱ ــ پس از اصلاحات ارضی که زمینها بین کشاورزان تقسیم شد دیگر کشاورزی صرف نمی‌کرد و آب و وسایل کافی موجود نبود در نتیجه مردم با سرمایه‌ای که داشتند چند ماشین بافندگی خریدند و در همان محل شروع به بافتن کردند ۲ ــ واسطه‌ها برای بهره‌کشی و استثمار بیشتر و دوری کارگران از هم و رابطه نداشتن آنها از هم و عده اتحاد و وحدت، کلیه کارگران و ماشینها را در نقاط مختلف پخش نموده و جدا نگه داشتند.

کارخانجات دو نوع دستگاه دارند ۱ ــ دستی ۲ ــ ماشینی این دستگاهها در کارگاههایی وجود دارند که دارای چندین اتاق و هر اتاق ۲ یا ۳ ماشین می‌باشد و در هر نیمچه که چندین اتاق تشکیل شده چندین کارگر و کارفرما بکار مشغولند، این کارگاهها یا دور از محل زندگی یا در نزدیکی آن و یا در خود خانه‌ها واقع است محل این کارخانه‌ها و کارگاهها خراب و ویران است و پر از گردوخاک می‌باشد اتاقها پایین‌تر از سطح زمین است و مرطوب و تاریک، تنها نوری از سقف به درون می‌تابد و بیشتر کارگران این محیط مریض شده‌اند.

لازم به تذکر است که نخ از کارخانه به «واسطه» و از او به سندیکا یا کارفرما داده می‌شود نخ از آنجا به رنگرزی بازکردن روی بوبین کله‌قندی، روی چاله گرد انداختن، چلّه کردن، طرح و نقشه ریختن و رنگها را مشخص کرده، چلّه‌کشی، نورد، بستن روی ماشین، طرح و نقشه‌بندی و بافتن و بعد محصول کار را به تاجر بازار فروختن از مراحل سیر نخ سودش از جیب کارخانه‌دار به تاجر و واسطه می‌رسد.

> ● این کارگران خود را در دست صاحب کارخانه چنان می‌بینند که گوئی گلوی آنها را گرفته و آنها دارند نفسهای آخر را می‌کشند.
>
> ● دولت از طرف اتاق بازرگانی و دفتر بررسی قیمتها، قیمت نخ را تثبیت کند که واسطه‌ها نتواند هر ساعت روی آن بکشند یا کم کنند:
>
> ● کارخانه‌ها را کارگران می‌چرخانند ولی سودش را سرمایه‌دار می‌برد.

وضع کارگر و مشکلاتش در کارخانه:

بزرگترین مشکل کارگران نداشتن و کمبود نخ می‌باشد همچنین گرانی زیاد نخ و قیمت پایین خرید پارچه تولید شده از آنها، این کارگران خود را در دست صاحب کارخانه و واسطه چنان می‌بیند که گویی گلوی آنها را گرفته و آنها دارند نفس آخر را می‌کشند (بهمین دلیل کارگران اقدام به زدن «نخچیان» کردند که دست آخر کمیته مانع شد وگرنه او را می‌کشتند) براثر نبودن یا کمبود شدید نخ بیشتر دستگاهها و ماشینها خوابیده‌اند و عده زیادی از کارگران بیکارند که فعلاً با حمالی می‌کنند یا در گاری دستی چیز می‌فروشند وضع کارگر بدین صورت است که باید آنقدر کار کند تا یک حوله یا لنگ و... بیافد تا بتواند مزد بگیرد بنابراین افراد پیر مدت زیادتری باید کار کنند، متوسط عمر افراد بافنده ۵۰ سال است که البته عده بسیاری از آنها پیرو تعداد خیلی کمی جوان وجود دارد، متوسط حقوق فعلی کارگران ۳۰ تا ۴۰ تومان است ولی اگر وضع نخ خیلی خوب باشد تا ۷۰ تومان و ۱۰۰ تومان هم می‌رسد آنها مجبورند به اندازه دخلشان خرج کنند و از توقعات و هوسرانیهای مادی و رفاهی چشم بپوشند و به لقمه نان و پنیری اکتفا کند فعلاً با گرانی مواد غذایی فشار بیش از پیش شده است، کارگرانی که در قسمت ماشینی کار می‌کنند ایمنی به هیچ‌وجه وجود ندارد و هرآن امکان خطر، قطع‌شدن انگشت و برق‌گرفتگی می‌رود، با این وضع کارگاه، بهداشت به هیچ‌وجه وجود ندارد و زیر صفر می‌باشد، حیواناتی مانند سوسک، مورچه، پشه، مگس، خرخاکی، مرغ و خروس و.... دائماً ول می‌خورند بیمه نیز وجود ندارد ولی در قدیم پول بیمه را بدون حتی یک قرص دو ریالی از آنها می‌گرفتند و در صورت دیرکرد بهره نیز بود، در قدیم دولت از آنها مالیات نیز می‌گرفت و بدلیل پول نداشتن تعدادی از کارگران به زندان هم رفته‌اند، در اینجا و این رشته کلیه خانواده کارگر به کار بافندگی اشتغال دارند مثلاً زن کلاف باز می‌کند، بچه ماسوره می‌کند و خودش هم (کارگر) چله می‌کند و می‌بافد و یا چند کارگر برای این کار استخدام می‌کند در اینصورت که کارگر روزمزد یا کارمزد است و کارگر اولی صاحب ماشین است به او کارفرما می‌گویند (به آن معنایی که در قبل عنوان شد).

بچه‌های کارگران که از اول به این صنعت آشنا می‌شوند چند کلاس درس می‌خوانند و چون دیگر پول پدر برای تحصیل فرزند کفاف نمی‌دهد به محیط کار آمده و شروع به کار می‌کند بهمین دلیل می‌بینیم حداکثر کارگران این رشته از کودکی به این شغل اشتغال داشته‌اند. قابل توجه است که این کارگاهها از آبان ۵۷ به بعد به مدت ۴ ماه تعطیل بوده و کارگران آن در اعتصاب و تظاهرات شرکت فعالانه داشتند حتی نیمچه‌ای براثر زیادی سوراخهای گلوله به نیمچه گلوله باران معروف است، کارخانه ۳۵ روز به عید کار خود را از سر گرفت و عده‌ای نیز ۴۰ روز بعد و عده‌ای سیر هنوز بکار باز نگشته‌اند (بدلایل ذکرشده) لازم به تذکر است که کلیه کارگران برای دین و قرآن و خدا قیام کرده‌اند و این حاکی از عمق ریشه دین در اعماق وجود خلق مستضعف می‌باشد و هشداری به مسئولان که کلیه امور باید از این کانال انجام شود.

روانشناسی کارگر

همانطوریکه وضع نخ، واسطه و سرمایه‌دار، وضع رفاهی و بهداشتی محیط کار و همچنین مسائل خانوادگی و استثمار و بهره‌کشی شدیدی که بر او حاکم است از نظر آگاهی به وضع خود کارگران به دو دسته تقسیم می‌شوند ۱ ــ کارگرانی که از همه اوضاع و شرایط آگاهند و کلیه علل بدبختی خود را شناخته‌اند و به دنبال تحقّق خواستهای خود و آگاهی و اداره و رهبری کارگران دسته دوم می‌باشند ۲ ــ آن دسته از کارگرانی که به مشکلات خود واقفند ولی بر اساس تشیع صفوی و یا اسلام وارونه‌ئی که داخل ذهنشان کرده‌اند و همچنین جهل و نادانی عوامل اصلی را نشناخته‌اند و امید و تکیه خود را تنها به خدا داده‌اند که خدا خودش درست می‌کند و یا من خبر ندارم و خدا می‌داند و یا اینکه این کارها مربوط به ما نیست از کارفرما بپرسید، و همچنین در رابطه با سرمایه‌دار و واسطه که خون آنها را در شیشه کرده بود می‌گفتند نمی‌دانیم از کجا پول آورده‌اند این کارها به ما مربوط نیست و می‌ترسیدند که حرفی بزنند که فعلاً او دزدی کرده که خلاف دینشان باشد.

قابل توجه است که از این امر عوامل ارتجاع بخصوص روحانیت مرتجع در قدیم و در دوران مصدق شدیداً استفاده کرد و باعث عدم اتحاد و تشتت و بدبختی کارگران شد. در حال حاضر نیز برخی از روی ناآگاهی گفته‌اند که اگر نخ به زور از واسطه گرفته شود خلاف شرع است که این هردو ناشی از عدم درک صحیح آنها از اسلام انقلابی است و این هشداری است به کلیه مردم و روحانیون و مسئولین که پوستین وارونه اسلام را از تن اندیشه و ذهن و برخوردها و تصمیم‌گیریهای خود بکنید و خود را به اسلام و پیشوایان راستین ملبس کنید.

سندیکا:

یک سندیکای کارگری با شرکت تعاونی صنفی از بافندگان در اسفند ۵۴ تأسیس شد و کارگران نمایندگانی برای اداره امور بکار می‌بردند، کار سندیکا رسیدگی به امور و مشکلات کارگران و حل آنها می‌باشد ولی متأسفانه تاکنون سندیکا قدرت اجرایی لازم را نداشته است از جمله کارهایی که در برنامه‌های سندیکا وجود دارد گرفتن مستقیم نخ از کارخانه و توزیع آن بین کارگران می‌باشد همچنین جلوگیری و مقاومت در برابر گرانفروشی و احتکارها و مبارزه با واسطه و بدست آوردن کمک کارخانه‌ها.

سندیکا اصل مبارزه با گرانفروشی را که دولت قبل عنوان کرد را عامل تبعید «نخچیان» به مدت ۶ ماه به گنبد نمود ولی او پس از بازگشت قیمتها را گران کرد. همچنین کارگران و سندیکا تصمیم به واردکردن مستقیم نخ گرفتند پول جمع کردند و وامی با بهره از بانک خریدند و جنس را وارد کردند ولی در گمرک تقریباً حدود ۱/۲ قیمت وارده سود گمرکی و بازرگانی روی آن آمد و همچنین واسطه‌ها قیمت نخ را پایین آوردند (چون قیمت سندیکا پایین‌تر از آنان بود) در نتیجه سندیکا ضرر داد (۹۰۰ هزار تومان + بهره) و نخها روی دستش ماند بقول یکی از برادران کارگر، کارگران مانند فرد گرسنه‌ای می‌مانند که یک دکان نانوایی باشد و پولی هم نداشته باشد و هرکس به او نان ارزان دهد و سیرش کند دنبال او می‌رود بدون آنکه چشمش باز باشد به کجا می‌رود و بدین ترتیب نبض زندگی او در دست واسطه است، فعلاً پس از گرفتن نخچیان مقدار کمی نخ که به هیچ می‌رسد به سندیکا می‌دهد، سندیکا از نظر مادی وضع خیلی بدی دارد.

چون کارخانه‌ها غیرمتمرکزند انتخابات و تشکیل شورای نمایندگان کارگران به‌سختی امکان‌پذیر است ولی اگر قدرت اجرائی و پول به سندیکا داده شود فعلاً برای کارگران مطلوب می‌باشد.

دولت می‌تواند در تنظیم امور مالی و توزیع نخ نماینده‌ای در سندیکا داشته باشد، در حال حاضر کار سندیکا نامه‌پرانی و شکایت است که هیچ‌گونه اثری ندارند و بالاخره کارگران مجبور به شدت عمل می‌شوند بطوریکه وزن آنها به چندین کیلو می‌رسد.

لازم به تذکر است که در کارخانه‌های متمرکز نیز شوراهای کارگری وجود ندارد و از تشکیل آنها جلوگیری می‌شود ولی در بعضی از آنها کارگران بطور پنهانی اقدام به تشکّل می‌کنند فعلاً هم کارخانه‌ها را کارگران می‌چرخانند ولی سودش را سرمایه‌دار می‌برد.

کارگر، مسائل زندگی و مشکلاتش

همانطور که بیان شد کارگر بطور متوسط روزی ۳۰ ــ ۴۰ تومان درآمد دارد، حد متوسط تعداد فرزندان آنها ۶ تا ۷ می‌باشد، مسکن به دو صورت وجود دارد ۱ ــ اجاره‌ای است که صاحب ملک یا پولدار و یا کارگر است ۲ ــ خانه از خودشان است که یا ارث پدری است و یا مال فرزندان آنهاست صاحبخانه در نوع اول می‌خواهد آنها را بیرون کند و قیمت اجاره هم بالاست.

در هر خانه بین ۳ تا ۶ خانوار زندگی می‌کنند که هریک از آنها هم از ۴ تا ۱۰ بچه دارند، محیط و زیربنای خانه‌ها کوچک و ناچیز می‌باشد از ۳۰ تا ۱۵۰ نفر، وضع خانه‌ها خراب و ویران است، خانه‌ها خشتی، کلنگی و کاهگلی هستند و مرطوب، بهداشت اصلاً وجود ندارد، شبها از دیوار حیاط انواع مختلف جانور بیرون می‌ریزد و محیط را بر خانواده تنگ می‌کند، فقط یک حمام در محله هست (خیابان) دکتر و مدرسه نیز یافت نمی‌شود بطوریکه بعضی از فرزندان آنها بدلیل نداشتن پول نتوانسته‌اند به دکتر بروند و در نتیجه نمونه‌هایی از فلج و بیماری روانی دیده شد بدلیل دوری مدرسه و کمی پول کودکان تا چند کلاس بیشتر نمی‌توانند درس بخوانند (در بیشتر خانواده‌ها دختران که قالی یا چیزهای دیگر می‌بافند کمک خرج می‌باشند) البته باتوجه به چنین شرایطی به هیچ‌وجه امکان رشد آنها وجود ندارد البته در شرایط استثنایی که فرزندان به تحصیل ادامه داده بودند استعداد و لیاقت شایسته‌ای از خود نشان میدهند و به مدارج عالی رسیده‌اند باتوجه به وضع مادی کارگر از لحاظ خوراک وغذا نیز در مضیقه هستند با توجه به گرانی گوشت و میوه و دیگر مواد غذایی و یا مواد اولیه زندگی.

راه‌حلها:

۱ ــ دولت از طرف اتاق بازرگانی و دفتر بررسی قیمتها، قیمت نخ را تثبیت کند که واسطه‌ها نتوانند هر ساعت روی آن بکشند یا کم کنند ۲ ــ دولت مستقیماً نخ را به سندیکا شورا بدهد تا در بین کارگران توزیع کنند و دست واسطه نیفتد ۳ ــ دست واسطه‌ها را کوتاه کنند (زندانی یا مصادره اموال با توجه به مدارک و اسناد اسلامی!) ۴ ــ تقویت سندیکا، کمک مالی و اگر مایل باشند ناظری برای خرج پول و توزیع نخ، ۵ ــ ملی کردن هرچه زودتر کارخانه‌های متمرکز و گرفتن سرمایه‌دار و مصادره اموال باتوجه به اسناد موجود، ملی کردن به این معنا که شورای اسلامی کارگران و مدیران و مسؤلان ملی + ناظری از طرف دولت که بر امور نظارت می‌کند کلیه امور کارخانه را در دست بگیرند، ۶ ــ متمرکز کردن این رشته از بافندگی (غیرمرکز) و مدرنیزه و اتوماتیک نمودن ماشینها بوسیله زمینی که دولت می‌دهد + ۲۰ تا ۳۰ میلیون تومان برای ساختمان و دستگاهها و وسایل رفاهی خرج کند تا کارگران از این وضع بدر درآیند ۷ ــ دادن آب و فاضلاب و تعمیر ساختمان فعلاً عملی اصلاحی و موجب اتلاف وقت است باید برنامه‌های عمرانی در آن ناحیه بوسیله شهرداری پیاده شود و کارگران و بقیه اهالی محل از وسایل رفاه شهری استفاده کنند (مانند سوپور که ندارند) ۸ ــ قرار دادن دو قطعه زمین یکی اول خیابان سروش (متعلق به اوقاف) و دیگری آخر کمال (حسینیه رضوی) برای ساختن مدرسه و حمام و خانه برای کارگران همچنین زمینهای بایر فراوانی در آن حوالی پیدا می‌شود از جمله زمینهای سوزنچی و خانه‌های سرمایه‌داران که چندین اتاق با افراد بسیار کم دارد و یا

بقیه در صفحه ۶

کارگران پیمانکاری‌های وابسته به‌شرکت نفت را دریابیم

«شورای نویسندگان امت»

بسمه‌تعالی

.... لازم دانستیم اطلاعاتی را راجع به وضع کارگران پیمانکاری‌های وابسته به‌شرکت نفت جنوب برای اطلاع و بررسی به‌شورای نویسندگان امت برسانیم قبل از هر چیز باید دانست که رژیم وابسته به‌امپریالیسم جهت سرکوبی کارگران و استثمار آنان هر چند کارگر را به‌یک پیمانکاری که زیر نظر مستقیم ساواک عمل می‌کرد می‌سپرد که چهارتن از این‌گونه پیمانکاران در نامه‌ای که بحضور امام فرستادیم مشخص شده است و در بیان چهارتن آقای جهانگیرخان دره شوری مستقیماً با سازمان «سیا» زد و بند داشته و فعلاً از ایران گریخته است و مسئولیت بهره‌کشی از کارکنان را به‌پسرش بهمن دره شوری سپرده است در زمانی که بنابر آیهٔ شریفه قرآن «لیس للانسان الا ما سعی» کار ملاک عمل و ارزیابی افراد است آقای بهمن دره شوری حتیٰ قادر نیستند لیست حقوق کارگران را تنظیم کنند. در نامه به‌امام مفصلاً شرح داده‌ایم که چگونه مزایا و حقوق این افراد را ضایع می‌کنند و فعلاً به‌اطلاع میرسانیم که حقوق روزانه هر کارگر از طرف شرکت نفت ۹۹۰ ریال است که در نامه ۷۱۰ ریال قید شده است و این بعلت افزایش حقوق اخیر است ولی پیمانکاران همان ۲۷۹ ریال را میدهند. حقوق و بعضی از مزایای متعلقه کارگران بشرح زیر است.

۱ــ حقوق کارگر ساده در ۳۰ روز ۸۳۷۰ ریال
یعنی روزانه ۲۷۹ ریال
۲ــ پول جیره خشکه کارگر متاهل ۸۰۰ ریال
۳ــ پول جیره خشکه کارگر مجرد ۴۰۰ ریال
۴ــ عایله‌مندی ۱۲۶۰ ریال
۵ــ پول مسکن ۳۰۰۰ ریال
۶ــ کرایه ماشین کارگر تو شهر ۹۰۰ ریال
۷ــ کرایه ماشین کارگر خارج شهر ۱۲۰۰ ریال
۸ــ پول لباس ۱۵۰۰ ریال

لازم بیادآوری است که این کارگران میتوانند بدون وجود پیمانکاران بیشتر از سابق بازده داشته باشند و هیچ نیازی به‌این واسطه‌ها که عملاً کاری انجام نمی‌دهند و تنها مبلغ قابل‌توجهی از شرکت نفت و حقوق حقه کارگران را به‌جیب می‌زنند.

در ضمن عین نامه امام به‌نخست‌وزیری ــ وزارت‌کار و هئیت‌مدیریه شرکت نفت فرستاده شده که تنها دفتر امام جواب داده است و بقیه از قرار معلوم زحمت خواندن نامه را به‌خودشان هم نداده‌اند این کارگران بعلت اینکه هر چند نفرشان تحت‌نظر یک پیمانکار هستند اتحادشان مشکل است و به‌سبب این پراکندگی فاقد شورای و حتی نماینده هستند.

خواسته کارگران:

۱ــ استخدام رسمی در صنعت نفت و خلع‌ید از پیمانکاران وابسته.

۲ــ استفاده از مزایای قانونی و ۲ روز تعطیل در هفته مانند برادران کارگر صنعت نفت.

فتوکپی نامه به‌امام به‌ضمیمه اسامی کارگران در پشت برگ

حضرت آیت‌الله نایب‌الامام خمینی

بدین وسیله بعرض عالی میرساند:

اینجانبان کارگران پیمانکاریهای وابسته به‌شرکت نفت ایران مانند پیمانکاری آقای جهانگیرخان دره شوری و یوسف حبیبی و اسفندیار جمشیدی و غیره که هر کدام سوابق مستمدی در این‌گونه پیمانکاریها داریم با وجودیکه شرکت نفت حقوق روزانه‌ای معادل ـ/۷۰۰ ریال برای هر کدام از ما کارگران منظور نموده است ولی پیمانکاران که تنها واسطه بین کارگران و صنعت نفت هستند بی‌آنکه عملاً در پیشبرد اهداف ملی نقشی داشته باشند از مبلغ فوق فقط ـ/۲۷۹ ریال آنهم با کسر ۷٪ بیمه بما می‌دهند و بقیه را حیف‌ومیل می‌کنند با این حساب پیمانکاران که در واقع نقش دلال را اجرا می‌کنند از هر کارگر روزانه بیش از ۴۰۰ ریال بهره‌برداری می‌کنند. علاوه بر این شرکت نفت ماهانه مبلغ ـ/۸۰۰ ریال بابت کمک هزینه اولاد و روزانه ـ/۱۰۰ ریال بابت هزینهٔ غذای کارگر و ۵۰ ریال در هر روز بابت حق مسکن برای کارگران منظور نموده است که جمع مبالغ فوق در هرماه ـ/۵۳۰۰ ریال میشود در حالی که پیمانکار از این مبلغ تنها ـ/۲۰۰۰ ریال می‌پردازد و بهیچ‌وجه حاضر به‌پرداخت حق قانونی ما نیست و از مزایای فوق‌الذکر حق بیمه کسر می‌کند ولی در هیچ قانونی از این‌گونه مزایا حق بیمه یا مالیات کسر نمی‌کنند این گونه استثمار فرد از فرد مخالف تعالیم عالی اسلام است لهذا استدعا داریم ضمن رسیدگی به‌وضع ما کارگران این‌گونه پیمانکاریها، لزوم یا عدم‌لزوم پیمانکاران که در رژیم سابق مأمور سرکوبی هرگونه حق‌طلبی و توجیه هر نوع عدم رضایتی بودند تا کارگران مستضعف در اختناق شدید هرچه بیشتر استثمار شوند مورد بررسی قرار گیرد.

با تقدیم احترام کارگران پیمانکاریهای وابسته به‌شرکت ملی نفت.

رونوشت:
۱ــ نخست‌وزیری
۲ــ وزارت‌کار
۳ــ مدیرعامل صنعت نفت

فتوکپی پاسخ دفتر امام

بسمه‌تعالی

حضور محترم آقایان کارگران عزیز پیمانکاریهای وابسته محترماً ضمن سلام تشکر از برادران کارگر ــ بعرض میرسد چون ادارات و دولت ما اسلامی است ولی در عین حال موقت و انتقالی است با کمی صبر انقلابی و مراجعه به‌مقامات مسئول در دولت دائمی مطمئن باشید رسیدگی و حقوق حقهٔ شما پرداخت خواهد شد.

۱۹ر۳ر۵۸

خلع‌ید از صاحبان کارخانه و سپردن امور به‌شورای اسلامی کارگران تنها راه خروج از بن‌بست است.

از نظر بهداشت کارگران در شرایط فوق‌العاده بدی قرار دارند

گزارش زیر توسط یکی از برادران برای «هفته‌نامه امت» ارسال شده است بعلت اینکه گزارش را در مجموع مثبت تشخیص دادیم با تشکر فراوان از برادرمان، با کمی اصلاحات بدرج آن اقدام می‌نمائیم.

کارخانه گچ خوزستان در ۵ کیلومتری شهرستان رامهرمز واقع در ۱۲۰ کیلومتری شمال اهواز می‌باشد این کارخانه حدود چند سال قبل توسط سرمایه‌داران خائنی که ماهیت ضد انسانی آنها برای مردم خوزستان کاملاً آشناست ساخته شده که متخصصین آلمانی نیز در ساختن آن نقش اساسی ایفا کردند. سهامداران عمده شرکت از سرمایه‌داران بنامی چون میرصادقی و نقشینه‌پور (مدیر عامل شرکت) و حاج اسماعیل مدینان و همچنین محمود ضرابیان میباشد که پیوند بسیار نزدیکی با رژیم سابق داشتند. سرمایه کل بانک تقریباً ۸۰۰ میلیون ریال میباشد که از طرف بانک اعتبارات صنعتی بسهامداران داده شده است و بسبب رابطه نزدیک بین سهامداران و رژیم سابق هیچگونه مالیاتی بدولت پرداخت نمی‌شد. بعلت همجوار بودن معادن گچ با کارخانه مسئله حمل و نقل کاملاً مقرون بصرفه سهامداران شرکت میباشد. زیرا هیچگونه احتیاجی به‌وسیله نقلیه جهت حمل گچ بکارخانه را ندارد.

تعداد کارگران کارخانه ۱۷۰ نفرند. گذشته از این تعداد بیشماری از کارگران را بطور غیر قانونی بکار گمارده‌اند. مهندسین این شرکت از نزدیکترین اقوام مدیر عامل شرکت می‌باشند و تمام کارفرمایان و اکثر نمایندگان کارگران منتخب صاحبان کارخانه هستید و تمام فعالیت و تلاششان در جهت حفظ منافع سهامداران کارخانه می‌باشد. البته کارگران با اعتصاب یک هفته‌ای و تعطیل کارخانه یکی از کارفرمایان را اخراج کردند. چون منافع سهامداران بخاطر تغییر رژیم در ایران مخاطره افتاده لذا کارفرمایان منتخب آنها سعی در تعطیل یا ایجاد اغتشاش در محیط کارخانه می‌کنند.

اکثریت کارگران در ازاء ۸ ساعت کار ۳۵۰ ریال مزد میگیرند و طبق توافقی که بین کارگران و کارفرمایان بعمل آمد دستمزد از اول اردیبهشت ماه از ۳۵ تا ۶۰ تومان ۴۰٪ اضافه ۶۰ تا ۸۰ تومان، ۲۳٪ و ۸۰ تا ۱۰۰، ۱۵٪ و از ۱۰۰ ببالا تا کنون از حد یک قول فراتر نرفته است. (۵۸/۳/۸)

بعلت ناپودی کشاورزی بدست رژیم شاه تعداد زیادی از دهقانان برای رهائی از بیکاری به‌کارخانه گچ هجوم آوردند و بعلت فقر حاکم بر آنان حاضر به‌پذیرش هر نوع شرایط کار و دستمزدی شدند و هنوز هم همان روابط ظالمانه و استثمارگرانه در کارخانه حکمفرماست و کارفرما و نمایندگان کارگران همان کسانی هستند که در رژیم قبلی بودند و با توجه به‌رفتاری که از کارفرما و یکی از نمایندگان کارگران که خود اصلاً کارگر نبوده و از عُمال سهامداران نیز می‌باشد اما متاسفانه بعلت عدم اقدام کارگران برای تغییر نمایندگان خود و جابلوسی کارفرمایان و نمایندگان سابق هیچگونه تغییراتی در نمایندگان کارگران بوجود نیامده است. اما برای خروج از این بن‌بست در اولین مرحله خلع‌ید از صاحبان کارخانه و سپردن امور کارخانه به‌شورای اسلامی کارگران است که می‌تواند جوابگوی خواسته‌های کارگران باشد.

* * *

به‌وضع ـ/۲۰۰۰ کارگر استثمار شده در بیابانهای گرم جنوب رسیدگی شود

بنام خدا

شرکت حفاری سدایران ــ سدکو که یک شرکت مختلط با سهام مشترک ایران و امریکا بوده است و از بدو پیروزی انقلاب تاکنون کارگران شدیداً در بلاتکلیفی بوده‌اند به‌این دلیل که از گوشه و کنار صحبت تعطیل این تنها واحد کنونی حفاری میشده است. هئیت‌مدیره تاکنون برای بررسی وضع و سرکشی به‌اهواز نمیآمد و وضع مدیریت کاملاً متشتّت بود.

تا اینکه روز دوشنبه گذشته ۱۵ر۵ر۵۸ با فشار و تلاش کمیتهٔ کار امام خمینی در اهواز که دو تن از افراد آن باتفاق شورای اسلامی کارگران بتهران رفته بودند هئیت‌مدیره را مجبور به‌آمدن به‌اهواز کردند و اکنون کارگران هئیت‌مدیره را زندانی کرده‌اند و فعلاً تا زمان روشن نکردن وضع شرکت هئیت‌مدیره حق خروج از شرکت و اهواز را ندارند. ما کارگران فکر می‌کنیم این تنها راه‌حل مسئله بوده است چون بهردری زدیم کسی توجه نکرد ولی با تلاش کمیته کار امام در اهواز که باعث شد اینها به‌اهواز بیایند ما دیگر حاضر نیستیم تا روشن شدن وضع دوهزار کارگر محروم که سالها در بیابانهای گرم جنوب استثمار شدند هئیت‌مدیره را ول کنیم و اینها چون سالها مسئول پایمال شدن حق ما بوده‌اند باید جوابگو باشند.

کارگر سدایران ــ شرکت حفاری در اهواز

● این واسطه‌ها عملاً کاری انجام نمیدهند و تنها مبلغ قابل توجهی از شرکت نفت و حقوق حقه کارگران به‌جیب میزنند.

کارگران اقدام...

بقیه از صفحه ۵

درش بسته است و به امان خدا رها شده که می‌توان با قاطعیت انقلابی از آنها استفاده کرد.

گزارش فوق که توسط یکی از خوانندگان امّت از اصفهان برای ما فرستاده شده است ضمن تشکر از ایشان لازم دانستیم چند نکته را یادآوری کنیم.

۱ ــ ما این گزارش را در مجموع مثبت ارزیابی کرده و جهت آگاهی بیشتر برادران و خواهران از اوضاع محیط‌های کار و کارگری به‌چاپ آن اقدام کردیم.

۲ ــ در قسمت‌هائی از این گزارش به سندیکا اشاره شده و بعنوان یکی از راه حلّ مشکلات کارگران خواسته‌شده که «سندیکا تقویت شود»، امّا از نظر ما امروز باید سندیکاها جای خود را به شورای اسلامی کارگران بدهند. تا از طریق تشکیل شورای کارگران بتوانند اداره امور کارخانه‌ها را خود بدست گیرند.

(۱) در کارخانه‌های متمرکز مثل بقیه کارخانه‌ها رابطه استثماری بین کارگر و کارفرما حکمفرماست ولی در کارخانجات غیرمتمرکز کارگر و کارفرما هردو کار می‌کنند و مزد خود را از کار خویش بدست می‌آورند فقط ماشین بافندگی مال کارفرماست. (۲) متمرکز = کارخانه‌ای با محل معین تعداد کارگر معین با ماشین‌آلات تقریباً مدرن و اتوماتیک و سرمایه‌داری که در رأس آن نشسته است

(۱) برای اینکه مدرکی از احتکار آنها و کشف انبارها بوسیله دولت در دست نباشد انبارها را به شهرهای دیگر منتقل می‌کنند از جمله در تبریز که در آتش‌سوزی آنجا انبار نخ اصفهانیها ۲ روز در آتش می‌سوخت.

معرفی نشریه

دوازدهمین شماره "نشریه سندیکای مشترک کارکنان صنعت نفت ایران" حاوی مطالبی در زمینه آفات انقلاب، نفت، سرمقاله و ... را دریافت کردیم.

انتشار این نشریه را به‌کارکنان دست‌اندر کار آن تبریک گفته و از خداوند خواهان توفیق آنان در خدمت به انقلاب اسلامی می‌باشیم.

بقیه از صفحه اول

بزرگترین مشکل شورا،

طرح تقسیم اضافه دستمزدها

کسانیکه بین ۳۴۰ تا ۶۰۰ ریال روزانه حقوق میگیرند به‌هر کدام ۲۲۷ ریال روزانه + برای هر سال سابقه ۱۰ ریال برای تمام سابقه کار اعتبار دارد
کسانیکه بین ۶۰۰ تا ۸۰۰ ریال روزانه حقوق میگیرند به‌هر کدام ۲۲۷ ریال روزانه + برای هر سال سابقه ۱۰ ریال فقط بمدت ۱۰ سال اعتبار دارد
کسانیکه بین ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ ریال روزانه حقوق میگیرند به‌هر کدام ۲۲۷ ریال روزانه + برای هر سال سابقه ۸ ریال فقط بمدت ۱۰ سال اعتبار دارد
کسانیکه بین ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ ریال روزانه حقوق میگیرند به‌هر کدام ۲۲۷ ریال روزانه + برای هر سال سابقه ۵ ریال فقط بمدت ۱۰ سال اعتبار دارد
کسانیکه بین ۱۲۰۰ به‌بالا الی ۲۲۰۰ ریال روزانه حقوق میگیرند به‌هر کدام ۲۲۷ ریال روزانه + حق سابقه منظور نخواهد شد.

با این طرح تقریباً افراد کم‌درآمد اضافه حقوق بیشتری نسبت به‌سرپرست‌ها گرفتند.

مثلاً کارگری که ۱۷ سال سابقه کار داشت و روزانه ۵۵۰ ریال حقوق میگرفت در حدود ۴۰۰ ریال اضافه حقوق روزانه باو تعلق گرفته که در حدود ۹۰ درصد حقوق روزانه‌اش میباشد. با این وجود بیشترین حقوق را حدود ۳۰ نفر از سرپرستان می‌گیرند که بین ۱۴۰ تا ۲۵۰ تومان در روز میباشد.

کمبود شدید قطعات یدکی

کارخانه بعداز انقلاب با کمبود مواد اولیه روبرو شد و رفته رفته که تولیدش فروش رفت کارفرما هم مواد اولیه خرید، عمدهٔ مواد اولیه وارداتی کارخانه فقط لعاب روی کاشی میباشد که از ایتالیا و جاهای دیگر تهیه میشود، البته این پروژه هم در ایران قابل پیاده شدن است و مهم اینکه خرج لعاب‌سازی در ایران بسیار کمتر از وارد کردنش تمام میشود.

در حال حاضر کارخانه با کمبود شدید قطعات یدکی و ابزار روبرو بوده بطوریکه تمام ماشین‌آلات احتیاج به‌قطعات یدکی داشته و در اثر فقدان این قطعات در حال استهلاک شدید میباشند، و صاحب کارخانه تمایل به‌خریدن قطعات یدکی ندارد و با حداقل هزینه میخواهد در کوتاه مدت هرچه بیشتر سود ببرد. فعلاً کارخانه به‌بیش از ۳۰ میلیون تومان قطعات یدکی و ابزار احتیاج دارد.

مثلاً از ۶۰ پرس کارخانه فقط حدود ۲۵ تا ۳۰ پرس قابل بهره‌برداری بوده و بقیه در اثر فقدان قطعه یدکی لخت شده و مصرف دیگر پرسها نشده‌اند.

اگر فرمول ماسه مواد اولیه مناسب باشد و از خاکهای مرغوب برای تهیه‌اش استفاده کنند، ضایعات کمتر میشود و کارخانه میتواند تا بیش از ۸۰۰۰۰۰ هزار کاشی روزانه تولید کند. متأسفانه برای اینکه سود بیشتر ببرند از خاکهای ارزان با ترکیب نامناسب استفاده میشود که بدین ترتیب ضایعات کارخانه تا ۳۰ الی ۴۰ درصد میرسد.

سابقه مبارزاتی کارگران کارخانه.

در این کارخانه قبلاً کارگران به‌نیروهای فاشیستی شدیداً سرکوب میشدند و حتی یکباره ۷۰ نفر را اخراج میکردند. در اثر این اخراج‌های بی‌رویه کارگران از هر نظر سرکوب شده بودند. رئیس امور اداری و انتظامی کارخانه اکثراً سرگرد و سرهنگ بوده‌اند درست مانند یک کلانتری، گاهی یک سرهنگ بازنشسته و در زیردست او یک سرگرد بازنشسته برای سرکوب کارگران حضور داشته‌اند. کارگران در میتینگ‌ها از قبیل، ۶ بهمن‌ها و تظاهرات مورد سوءاستفاده قرار میگرفتند و مسئولین آنان را بزور و تحمیل به‌شهرستانها برده و آنان را وادار به‌تظاهرات بنفع رژیم می‌کردند.

از اوائل سال ۵۷ کارگران آگاهانه همگام با مردم وارد مبارزه شده و دیگر آلت‌دست قرار نگرفته و حتی در شهریورماه علیه کارفرما در کارخانه شوریده و اعتصاب میکنند و سپس کارفرما و مسئولین انتظامات کارگران و گردانندگان اعتصاب را اخراج و تحت بی‌گرد ساواک قرار میدهند. اینبار کارگران سرکوب شده آگاهانه به‌مبارزه علیه

بقیه در صفحه ۷

خلع‌ید از صاحبان کارخانه و سپردن امور به‌شورای اسلامی کارگران تنها راه خروج از بن‌بست است

نامه سرگشاده به امام خمینی

مبنای ارزش و حق بهره‌وری و تصرف در نظام جمهوری اسلامی تنها و تنها کار است و لاغیر

بسم‌الله الرحمن الرحیم

حضرت آیت‌الله امام خمینی

گروههای امضاء کننده نامهٔ حاضر در پاسخ به دعوت شما مبنی بر شرکت در انتخابات مجلس برای قانون اساسی فعالانه در انتخابات مزبور شرکت کرده و به‌معرفی کاندیدا نیز اقدام نمودند. این در حالی بود که فشارها و محدودیت‌های بسیاری که متأسفانه هنوز هم مستقیم و غیرمستقیم تحت نام شما اعمال می‌شود کمتر امیدی در جهت تأثیرگذاری انقلابی برای ما بر جا گذاشته بود. به همین دلیل نتوانستیم بسیاری از هواداران خود را به شرکت در انتخابات قانع کنیم. آنها بر این عقیده بودند که شرکت ما در جو موجود مفید هیچ فایده‌ای نخواهد بود.

اگرچه ما همیشه بر این عقیده بوده‌ایم که مقام رهبری شما فراتر از وابستگی بر جمعیت و حزب بخصوص بوده و متعلق به فردفرد آحاد ملت ایران است، با این همه در جریان انتخابات ما شاهد دخالت‌های غیرقانونی گستردهٔ احزاب و جناحهای بخصوص بودیم که به انحاء طرق توده مردم را تحت نام شما به رأی دادن فهرستی وامی‌داشتند که درواقع امر انتخابات را به انتصابات تبدیل می‌نمود. این دخالت‌ها که در چند مورد با چنان وضوحی صورت گرفت که آراء صندوقهای مربوطه بنا بر اعتراض بازرسان ما باطل اعلام گردید، از پاره‌کردن اوراق تبلیغاتی دیگران تا رأی نویسی غیرمجاز و ممانعت از رأی دادن به نامزدهای موردنظر تا دستکاری در صندوقها و اعمال نظر در شمارش آراء و امثالهم گسترش داشت. اعمال بی‌رویه‌ای که مدارک آن طی قریب بیش از دویست فقره شکایت به مسئولین امر تسلیم شده و چنانچه صلاح بدانید آماده‌ایم تا در ملاقات حضوری به خود آن حضرت نیز تقدیم داریم.

مساله اساسی برای طرفداران ما این است که حزب برنده انتخابات که چندماه از تأسیس آن نیز بیشتر نمی‌گذرد، چگونه می‌تواند بدون اینکه همه چیز خود را به شما منتسب سازد در اکثر نقاط کشور حائز اکثریت آراء گردد. و آیا این استفادهٔ شایسته‌ای از خون دهها هزار شهید انقلاب ایران که در اعتماد عمومی به شخص آن حضرت منعکس گردیده است محسوب می‌شود؟

وانگهی در شرایطی که وزراء و معاونین آن بخاطر مسئولیت‌های اجرایی خود از نامزدی مجلس محروم‌اند چگونه اعضای شورای انقلاب که هم‌اکنون در دولت نیز ادغام شده است می‌توانند برغم مسئولیت‌ها و اقتدارت گسترده خود راهی مجلس شوند.

از همهٔ اینها ناراحت‌کننده‌تر این بود که علیرغم تکذیب‌های مکرر رادیو در روز انتخابات، قویاً در روزهای قبل از انتخابات شایع کرده بودند که شخص آن حضرت فهرست بخصوصی را امضاء کرده‌اید که قابل انتشار نیز هست.

مجموعه این دخالت‌ها و محدودیت‌ها هم‌اکنون ما را با مجلسی مواجه ساخته که به‌جز شمار قلیلی از علماء و افراد شرکت کننده در آن، به‌راستی فاقد نمایندگان طرز تفکر انقلابی نسل جوان و روشنفکر مسلمان است. مجلسی که طبعاً نخواهد توانست چنانکه باید به حیاتی‌ترین خواستهای توده انقلابی مسلمان در چهارچوب تدوین یک قانون اساسی اسلامی و مردمی پاسخ دهد.

حضرت امام

استدعا داریم گمان نفرمایند که امضاء کنندگان نامهٔ حاضر که به‌غایت درجه به سرنوشت و حیثیت انقلاب و مکتب و شخص خود شما عشق می‌ورزند از این مطالب خدای ناکرده قصد کارشکنی و تلافی‌جویی در برابر عدم انتخاب خود دارند. خیر، سوابق مبارزاتی درخشان تک‌تک نامزدهای گروههای ما آن‌چنان بر همگان روشن است که دامن جمیع آنها را از برشائبهٔ مقام‌پرستانه منزه میسازد، بخصوص که ما فردفرد آنها را با حداکثر اجبار و اکراه به چنین نامزدی که از پیش بی‌نتیجه بودن آن روشن بود وادار نمدیم. علیهذا این تنها و تنها مصالح مکتب و انقلاب و خلق و رهبری است که ما را به نوشتن این سطور کشانیده است.

از این‌رو وظیفهٔ خود دیدیم که مهمترین اصول و مواضعی را که بایستی در قانون اساسی آینده گنجانیده شود (در برنامهٔ حداقل همهٔ گروههای امضاءکننده حاضر از مدتها پیش عنوان شده است) تحت موارد ذیل به اطلاع آن حضرت برسانیم. باشد که تحت رهبری وارشادات وسفارشات خود شما قانون اساسی داشته باشیم که مردم و به‌ویژه جوانان انقلابی به تمام و کمال از آن استقبال نموده و اسباب سربلندی همه و بخصوص شخص شما در برابر خدا و خلق و نسل‌های آینده باشد.

۱ــ تأکید و تصریح بر محتوای ضداستبدادی‌وضداستعماری‌جمهوری اسلامی که بارها مورد تأکید آن حضرت قرار گرفته و طبعاً" راهگشای حصول به جامعه‌ای فارغ از هرگونه بهره‌کشی و استثمار خواهد بود.

۲ــ فرم حکومتی دولت اسلامی نظام شورایی است. شوراها در تمامی دوایر و قسمت‌های مملکت بایستی عهده‌دار مسئولیت‌های مختلف گردند. بر همین اساس امورداخلی هر منطقه بایستی بدون هیچ محدودیت تماماً" به وسیله‌شوراهای محلی مردمی همان منطقه و ناحیه اداره شده. و انتصابات محلی نیز زیر نظر و به تأیید شوراهای محلی باشد.

۳ــ مبنای ارزش و حق بهره‌وری‌وتصرف در نظام جمهوری اسلامی تنها و تنها کار است ولاغیر.

۴ــ زمین و محصول ازآن کسی است که کار کرده و کشته است.

۵ــ کارگران و دهقانان ایران باید از هرگونه مالیات و پرداخت دولتی معاف بوده و از بیمه و بهداشت و تحصیل رایگان بهره‌مند باشند.

۶ــ زنان به‌لحاظ سیاسی و اقتصادی با مردان متساوی‌الحقوقند.

۷ــ تا مرز قیام مسلحانه آزادی همهٔ احزاب، جمعیت‌ها و مطبوعات کاملاً" تامین و محاکمات احتمالی آنها در حضور هیات منصفه انجام می‌شود.
کسانی که بهر نحووتحت هرعنوان مخل‌آزادیهای‌مزبورباشند به شدت باید کیفر ببینند.

۸ــ هرنوع شکنجه، بهراسم و بهرعنوان مطلقاً" ممنوع است.

۹ــ جز در مورد جرایم شغلی ویژهٔ نظامی ارتشیان، هرگونه دادرسی در عهده‌دادگستری‌است وصلاحیت قضائیه را هیچ چیز دیگر محدود نخواهد ساخت.

۱۰ــ حقوق حقهٔ ملیت‌ها مبنی برتعیین و ادارهٔ امور داخلی خود در چارچوب وحدت و تمامیت تجزیه ناپذیر جمهوری اسلامی محفوظ واز هر جهت بآنها اعاده خواهد شد.

۱۱ــ ارتش ما باید یک ارتش اسلامی، مردمی، ضدامپریالیست و ضد ــ استبداد باشد که در خدمت دفاع از انقلاب و حقوق مستضعفان بوده و در درون مرزهای ایران از هرگونه درگیری ممنوع شود. ارتشی مستقل و ملی که عاری از هرگونه وابستگی به‌قدرتهای‌خارجی بوده‌ومستشاران امپریالیست را هرگز به خود راه ندهد. و از این طریق به سمت ارتش اساساً" اسلامی که داوطلبی می‌باشد حرکت نماید.

۱۲ــ ژاندارمری و شهربانی در یکدیگر ادغام شده و به‌عنوان ضابط عدلیه تحت اختیاروفرماندهی دادگستری قرار گیرند.

در مورد فرهنگ، سیاست خارجی، دفاع از حقوق کارگران، رادیو وتلویزیون و محافظت از تولیدات و بازار ملی نیزهر یک از گروهها امضاءکننده نقطه‌نظرهای مشخصی دارندکه انشاءالله‌حضوراً" معروض خواهد گردید.

حضرت آیت‌الله

مجدداً" امیدواریم با رعایت این نقطه‌نظرهای اسلامی ومردمی قانون‌اساسی ما شامل حداقل‌های لازم گردیده‌واسباب سربلندی و روسفیدی در برابر تمام جهانیان و نسل‌های آینده باشد. چرا که ما به‌یاد همهٔ شهدای گلگون‌کفن این میهن، هیچگونه خدشه‌ای را به حرمت اسلام و حیثیت رهبری خوش نمیداریم. بهمین دلیل خودرا موظف دیدیم که هیچ حقیقت اساسی را در مقابل شما کتمان نکنیم. منجمله مبرم‌ترین مساله کنونی صحنه سیاست کشور مساله ملیت‌ها و مناطق

بقیه در صفحه ۳

بزرگترین مشکل شورا...

بقیه از صفحه ۶

کارفرما ادامه میدهند تا در آبان‌ماه دوباره علیه کارفرما که حقوقشان را عقب انداخته بود شوریده و در کارخانه تظاهرات میکنند، سپس رضا کاشانی سخنرانی کرده که موثر واقع نمیشود نامبرده خود را به‌غش زده و با حیله از کارخانه خارج میشود سپس به‌لندن رفته و در این مدت کارگران بدون حقوق بودند. کارگران در جریان انقلاب در سخت‌ترین شرایط بسر میبردند و در تمام مبارزات خیابانی شرکت میکردند و بعداز پیروزی انقلاب بفرمان امام به‌کارخانه برگشتند با اینکه از مهرماه حقوق نگرفته بودند شروع به‌تولید نموده و آنرا از ۶۰ هزار عدد کاشی در روز به ۴۲۰ هزار رساندند کارگران این کارخانه در جریان اعتصاب شهریور و فعالیتهای آبان‌ماه سال گذشته شورا را پی‌ریزی کردند که رفته رفته شورا از عناصر مشکوک تصفیه گردیده و بشکل اسلامی بکار خود تا بامروز ادامه داده است.

برخی از فعالیتهای شورای اسلامی کارگران

۱ ــ راه‌اندازی کارخانه بعداز انقلاب با وجود مشکلات فراوان از قبیل فقدان مواد اوّلیه و نارضایتی کارگران از نگرفتن حقوق.

۲ ــ ایجاد نظم و سرکوب ضد انقلاب در کارخانه (عمال کارفرما).

۳ ــ اداره کلیه مراحل تولید و فروش که در اختیار کامل شورای کارگری بوده که سپس وزارت کار مخالفت نمود.

۴ ــ پرداخت حقوق ۲ ماه عقب افتاده کارگران از طریق تولید و فروش آن و فروختن مواد قراضه کارخانه.

۵ ــ تلاش برای گرفتن وام از دولت انقلابی برای پرداخت حقوق عقب افتاده.

۶ ــ گرفتن تمام مطالبات کارگران از کارفرما از قبیل ــ حقوق ــ حق اولاد ــ سودویژه ــ حق مسکن و همچنین گرفتن یک میلیونوصدهزار تومان بدهکاری کارفرما به‌شرکت تعاونی کارگران و غیره....

۷ ــ فعالیتهای فرهنگی ــ سیاسی در چهارچوب ایدئولوژی اسلامی از طریق کتابخانه و مسجد و سخنرانی و آگاهی دادن به کارگران و شرکت در راه‌پیمائی‌ها و دادن نشریه.

۸ ــ ایجاد کلاس سوادآموزی.

۹ ــ طرح اضافه دستمزد از طریق شورای کارگری.

۱۰ ــ ازدیاد حق مسکن برای مجردها ۵۰۰ تومان و برای متأهل‌ها ۵۵۰ تومان.

شورا طبق صورت‌جلسه‌ائی که با کارفرما دارد، حق نظارت بر مدیریت فنی و اداری کارخانه را داشته و همچنین حق نظارت بر تولید و فروش و سایر مسائل کارخانه را دارد، ولی کارفرما همواره با شورا به‌عناوین مختلف مبارزه میکند و سعی در بد جلوه دادنش پیش کمیته‌های محل ــ ژاندارمری ــ وزارت کار میدارد.

شورا را متهم به‌عناوین واهی میکنند. مثل، کمونیست بودن و اینکه اینان در تولید و اقتصاد مملکت اخلال‌گری میکنند.

بزرگترین مشکل شورا «کارفرما و نهادهای وابسته به‌آن» در داخل کارخانه بوده که همگی در جهت منافع کارفرما فعالیت میکنند. دولت هم با برسمیت نشناختن این شوراها مشکل بزرگی ایجاد کرد. خودسری‌های کارفرما و تصمیم‌گیری‌های فردی که گاهی ضد کارگر و زمانی ضد جامعه است، مانند، گران کردن جنس از مشکلات اساسی است که شورا در جهت مبارزه با آنها میباشد. کارفرما میگوید شورا نباید در مسائل کارخانه دخالت کند و شورا که حس میکند که مسائل به‌ضرر کارگر و جامعه است نمیتواند ساکت و خاموش باشد. خلاصه مشکلات خیلی مبهم و پیچیده شده است.

مثلاً کارفرمای کاشی سعدی با گزارشی دروغ به‌حزب جمهوری اسلامی میگوید، تولید کم شده بدون ذکر دلائل، و پرداخت من نسبت به‌پارسال زیاد شده و اینها را بهانه کرده تا کاشی را گران کند و تورم را در جامعه بوجود آورد و شورا در این مورد میگوید نه‌خیر شما حق گران کردن نداشته و باید کارگر بداند که قیمت تمام شده کاشی چقدر میشود و روزی چقدر درآمد دارید زیرا ما میخواهیم سودویژه خود را بر این اساس مطالبه کنیم ولی کارفرما به‌مبارزه برخاسته و به‌کمیته‌ها رفته و به‌این طرف و آنطرف نامه‌نگاری میکند و کارگران را متهم میکند و خلاصه عدم قاطعیت وزارت کار موجب جنگ و دعوای روزانه شده، اینها پاره‌ائی از مشکلات شورای اسلامی کارگران میباشد.

گزارش یکی از کارکنان کارخانه

گزارش مصاحبه مطبوعاتی

صبح روزپنجشنبه ۵۸/۵/۱۸ به دعوت جنبش مسلمانان مبارز مصاحبه مطبوعاتی با شرکت‌خبرنگاران‌وارباب‌جراید در محل دفتر هفته‌نامه امت تشکیل گردید. که در آن نقطه نظرهای جنبش مسلمانان مبارز، درموردانتخابات‌ومجلس‌خبرگان، آزادیهای مطبوعات‌ومسائل‌وحدت‌ازجانب سه نفر از اعضاءومسئولین‌جنبش‌بیان‌شد. مسئولین‌در مصاحبه باطرح‌مقدمه‌ای‌درابتداء توضیحاتی دادند و در مورد انتخابات‌علاوه‌بربررسی مواضع جنبش مسلمانان مبارز پیرامون‌آن، چگونگی نقض‌آزادیها و اعمال نفوذها را برشمردند، وهمچنین انتظار خود را از مجلس خبرگان بیان داشتند.

دراین قسمت تشریح کنندگان مواضع جنبش مسلمانان مبارز اظهار داشتند که‌ما باتوجه‌به‌اوضاع کشورو شرایط رای‌دهندگان شورایی‌را پیشنهاد کردیم که این شورا کاندیداهای متعددی را از کلیه گروههای انقلابی که دارای بینش مکتبی وانقلابی و تقوا سیاسی، همچنین سابقه مبارزاتی روشنی داشته باشند، تعیین‌کنند. و حتی برای رهبری این شورا آیت‌الله‌طالقانی را پیشنهاد کرده بودیم. درهرصورت‌باروشی که در پیش گرفته شد، بازهم به پیروی‌از رهنمودهای امام و برای ایجاد همبستگی‌و وحدت با چهارگروه مترقی دیگر، ده‌نفر از افرادی را کاندیدا کردیم که صلاحیت نمایندگی مردمی را در صحنه مستمرمبارزه ثابت کرده‌اند و صمیمانه و صادقانه در انتخابات شرکت کردیم و برای‌انتخاب‌هم معتقد بودیم که هر فرد باید آگاهانه‌و

بقیه در صفحه ۸

نمونه از عکسهائی که نشان دهنده سوء استفاده از نام امام و به انحصار در آوردن شخصیت‌رهبری برای‌حزب جمهوری اسلامی را ارائه می‌دهیم.

حوزه ۶۰۲

با خلع‌ید از سرمایه‌داری وابسته امپریالیسم را بزانو در آوریم

شهادت یکی از هواداران جنبش مسلمانان مبارز

سرانجام توطئه‌های شیطانی ناکثان و خناسان در استان سیستان و بلوچستان، خون پاک برادران شهیدمان، مهندس ولی‌اله نیک‌بخت و امام‌بخش ریگی را بر زمین ریخت تا شاید مرهمی بر زخم‌های کثیف این توطئه‌گران و خائنین باشد.

برادر شهید، مهندس نیک‌بخت استاد مبارز و یکی از هواداران فعال جنبش مسلمانان مبارز در دانشگاه سیستان و بلوچستان و مجری طرح جهاد سازندگی در آن منطقه و امام‌بخش ریگی آموزگار آن استان باتفاق دو تن دیگر از برادران دانشجوی تهرانی در جادهٔ خاش که عازم اجرای طرح جهاد سازندگی بودند، مورد سوءقصد چند مهاجم قرار گرفته و در نتیجه مهندس نیک‌بخت و امام‌بخش ریگی به‌شهادت میرسند. به‌همین مناسبت هزاران تن از خواهران و برادران این استان روز پنجشنبه ۱۸ مرداد طی یک راه‌پیمائی باشکوه در تشییع جنازه شهداء همبستگی خودرا با آرمانهای اسلامی آنها اعلام نمودند.

این سربازان جهاد سازندگی که از مال و هستی خود گذشته و برای حاکمیت مستضعفین و محرومان تاریخ به‌تلاش و مبارزه بی‌امانی علیه نهادهای پوسیده و افکار شرک و خودخواهی دست زده بودند، سرانجام در دام توطئه‌گران افتادند و بدرجهٔ شهادت نائل آمدند. خائنین بدانند که در راه جوشان و کوبنده نیک‌بخت‌ها، سرانجام حل خواهند شد، زیرا این شعار هر مسلمان انقلابی است که:

«جاءالحق وزهق الباطل، ان الباطل کان ذهوقا»

(همانا که حق آمد و باطل نابود شدنی است، براستی که باطل نابود شده بود)

ما ضمن محکوم نمودن این ترور ناجوانمردانه، تسلیت خودرا به‌بازماندگان آن شهدا اعلام می‌نمائیم.

یادشان گرامی و راهشان کوبنده باد!

اعلامیه جنبش مسلمانان مبارز

بنام خدا

با توطئه خناسان که از آستین ضد انقلاب بدر آمد، خون جوانان مجاهد و پر شوری که برای پاسخگویی به‌ندای رهبر انقلاب به‌یاری خواهران و برادران به‌جهاد در روستا رفته بودند، ریخته شد.

برادر مجاهد مهندس ولی‌الله نیک‌بخت که استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه بلوچستان و از هواداران جنبش مسلمانان مبارز بود، نهال انقلاب خونین ما را با شهادتش توان دیگری بخشید. شهید ولی‌الله نیک‌بخت به‌تعهد انقلابی و انسانی خویش با پیروی از رهنمودهای رهبر انقلاب امام خمینی به‌شهادت رسید.

به‌رهبر انقلاب و خلق مسلمان و خانواده شهدا، شهادتش را تبریک می‌گوئیم و با تداوم انقلاب در جهت جامعه‌ای توحیدی یادش را همیشه گرامی خواهیم داشت.

جنبش مسلمانان مبارز

نوجوانان فلسطینی در دادگاهها و زندانهای صهیونیستها

فلسطین اشغالی ۱۹۷۹/۸/۸ ــ وفا

دادگاه نظامی صهیونیستی در «خبین» پریروز نوجوان ۱۶ ساله‌ای را باتهام عضویت در انقلاب فلسطین و رهبری یک گروه چریکی در حمله به‌تأسیسات نظامی به ۱۱ سال زندان محکوم کرد. روزنامه صهیونیستی «معاریو» نوشت: این نوجوان، فرمانده عملیات چریکی، هنگام استماع رأی دادگاه دست راستش را گره کرده و دست چپش را بعلامت پیروزی بلند کرد و اینطور شعار داد: الله‌اکبر، الله‌اکبر ــ انقلاب، انقلاب تا پیروزی. همچنین دادگاه سه نوجوان فلسطینی کمتر از ۱۶ سال را نیز به ۹ سال زندان محکوم کردند. اتهام آنها عضویت در انقلاب فلسطین و فعالیت‌های ضد صهیونیستی بوده است.

لغو بعضی از قراردادهای نظامی ایران و آمریکا

سخنگوی دولت در یک کنفرانس مطبوعاتی پیرامون لغو قراردادهای نظامی ایران و آمریکا اظهار نمود که: قراردادهای تسلیحاتی با ایالات متحده که شامل خرید جنگنده‌های اف ــ ۱۶، آواکس و ناوشکنهای جنگی که با حجم نزدیک به ۹ میلیارد دلار بود، لغو شده است. و برای لوازم یدکی بعضی از تجهیزات ارتشی و پرنده‌هائیکه وزارت دفاع در اختیار دارد، دولت آمریکا باید لوازم این پرنده‌ها را بایران بدهد و قراردادیکه در این زمینه‌ها منعقد شده فسخ نشده است. چون بیش از هزار فروند هلی‌کوپتر در حال حاضر روی زمین خوابیده و لوازم یدکی ندارند. وی افزود یک سری قراردادهای دیگر با مستشاران نظامی آمریکا بسته شده بود که آنها نیز لغو شده است. ضمناً قراردادهائی هم که با شرکتهای «بل هلیکوپتر» «بوئینگ و گرومن» بسته شده بود، لغو شده است. و مهمتر از همه اینها جنگنده‌های فوق مدرن اف ــ ۱۴ است که بدلیل هزینه بسیار زیاد نگهداری آن و سیستم فوق‌العاده مهمّی که دارد، نگهداری آن حتی برای خود آمریکا دردسر دارد و با توجه باینکه یکساعت پرواز آزمایشی با عملیاتی هواپیمائی اف ــ ۱۴ یک‌میلیون‌ودویست هزار تومان خرج برمیدارد، این هواپیما به‌چه درد ما میخورد و چون این نوع هواپیماها با استراتژی برنامه‌های ارتشی ما در آینده نیست، تصمیماتی در مورد فروش آنها گرفته شده است. وی افزود بهای یک هواپیمای اف ــ ۱۴ در حدود ۶۰ میلیون دلار است و بین ۷۵ تا ۸۰ هواپیمای اف ــ ۱۴ در اختیار داریم که در حال حاضر نگهداری آنها در فرودگاهها واقعاً بودجه عظیمی بملت ما تحمیل میکند.

سیاست ایران در قبال مسئله صحرا

وزارت امور خارجه در پی تصمیم شانزدهمین کنفرانس سران «سازمان وحدت افریقا» مبنی بر شناسائی حق تعیین سرنوشت مردم صحرا و مراجعه به‌آراء عمومی در این سرزمین، اطلاعیه‌ای باین شرح انتشار داد: از آنجا که مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه‌های متعدد حق تعیین سرنوشت برای مردم صحرا را برسمیت شناخته است و با توجه باینکه کمیته عقلا منتخب از طرف سازمان وحدت افریقا در گزارش خود تصریح نموده، بموجب قرارداد ۱۹۷۵ مادرید دولت اسپانیا تنها اداره صحرا بدولتهای «مغرب» و «موریتانی» تفویض نموده و نه حاکمیت آنرا و با در نظر گرفتن رأی دیوان دادگستری لاهه، وزارت امور خارجه دولت موقت جمهوری اسلامی ایران تصمیم شانزدهمین کنفرانس سران سازمان وحدت افریقا مبنی بر شناسائی حق تعیین سرنوشت مردم صحرا و مراجعه بآراء عمومی در این سرزمین را مورد تایید قرار داده و معتقد است که این تصمیم میتواند کمک مؤثری به‌حل عادلانه و صلح‌آمیز مسئله صحرا بنماید.

صهیونیستها برای آتش زدن مسجد اقصی تدارک می‌بینند

فلسطین اشغالی ۱۹۷۹/۸/۸ ــ وفا

در گزارشی که از بیت‌المقدس به‌بخش سرزمینهای اشغالی سازمان آزادی‌بخش فلسطین رسیده، آمده است که دارودستهٔ «گوش آمونیوم» صهیونیست به‌رهبری «لهاخام» فاشیست «ماثیرکاهانا» در تدارک نقشه آتش زدن مسجد اقصی و ویران کردن آن هستند تا مجسمه سلیمان را بر ویرانه‌های آن بنا کنند. طبق این گزارش دارودسته صهیونیستی مزبور، گروهی از افراد خودرا برای انجام این جنایت آموزش داده و اکنون منتظر صدور دستور اجرا است. از سوی دیگر فلسطینی‌های بیت‌المقدس و جوانان فلسطینی آمادگی خودرا برای درهم شکستن این طرح اعلام داشته و از مسجد اقصی مقدس حفاظت خواهند کرد.

پیام یاسرعرفات بمناسبت روزقدس

برادر یاسر عرفات فرمانده کل سازمان آزادیبخش فلسطین ضمن تشکر و قدردانی از رهبر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی، پیغمی بمناسبت روز قدس ارسال داشت و اینک متن پیام:

بسم‌الله الرحمن الرحیم ۱۷ رمضان ۱۳۹۹

حضرت آیت‌الله العظمی رح‌الله الموسوی الخمینی دام ظله العالی

سلام خدا بر شما و رحمته و برکاته

خدا را ستایش می‌کنم که ما را به‌ایمان هدایت کرده و به‌افتخار جهاد در راهش مفتخر ساخته، دلهایمان را وحدت بخشیده و در پرتو رحمت خود برادرمان گردانید و امکان عمل بر اساس برّ و تقوی بما عنایت کرد. پیام گرامی شما به‌مسلمانان را دربارهٔ بیت‌المقدس دریافت کردیم و مژده خیر وافر را در ماه نزول قرآن و هدایت مسلمانان و دلایل هدایت و فرقان شنیدیم. و در این مرحله حساس که انقلاب فلسطین با نیروهای شرّ درگیر است با همبستگی میان برادران مؤمن حمایت مهمی را احساس می‌کنیم. در این مرحلهٔ دشوار تاریخی که منطقهٔ خاورمیانه و ملت عرب در سایهٔ مشکلات خطیر قرار دارد ما تلاشهای شما را در راه آزادی بیت‌المقدس و فلسطین گرامی داشته و از خداوند قادر متعال مسئلت داریم شما را حفظ کرده و گامهای ما را در راه خیر مسلمین و سربلندی اسلام استوار سازد و در راه حق رهنمون شده و در راه جهاد ثابت قدم نماید.

والسلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته انقلاب تا پیروزی

یاسرعرفات رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین

و فرماندهٔ کل نیروهای انقلاب فلسطین.

اعتصابات عمومی بولیوی، اهمیت سندیکاهای کارگری را نشان داد

لوموند ــ ۴ اوت ۷۹

دومین نشست کنگرهٔ بولیوی که در روز پنجشنبه دوّم اوت برای تعیین رئیس دولت جدیدی که می‌بایستی روز ششم اوت شروع بکار میکرد، تشکیل نشد. کارهای مجلس، دگربار بوسیلهٔ جمعیتی که برای دو کاندیدای رقیب آقایان «سیلس سواز» و «پازاستنسرو» فریاد میکشیدند، مختل شد.

با این وجود در روز اعتصابات که بوسیلهٔ مرکز کارگری بولیوی سازمان یافته و از پشتیبانی خوبی نیز برخوردار شده بود، زدوخورد و تصادفات زیادی اتفاق افتاد. در این زدوخوردها یک تن کشته و دهها نفر دیگر زخمی شدند. روز پنجشنبه ۲ اوت، شهر «پاز» مرکز بولیوی بعلت توقف عمومی کار که ۲۴ ساعت بطول انجامید، بکلی فلج شد. این اعتصاب بخاطر اعتراض علیه «تقلب در انتخابات» ترتیب یافته بود ولی بیشتر بنظر میرسد که بر علیه تعیین ریاست جمهوری، ویکتور پازاستنسرو، که احتمالاً بوسیلهٔ کنگره تصویب میشد، صورت گرفته باشد.

در محافل سندیکائی، اکثریت براین عقیده‌اند که دولت جدید، غیرنظامی و قانونی، پازاستنسرو، سیاستی را در پیش خواهد گرفت که مغایر با دولتهای نظامی پیشین می‌باشد. ولی اساسی‌ترین جریانهای نهضت کارگری بولیوی براین عقیده نبوده و از «هرنان سیلس سواز» که در جریان انتخابات یکم ژوئیه بیشترین رأی را صاحب شد، پشتیبانی می‌کنند، امّا ایشان در کنگره از اقلیت برخوردار می‌باشد.

آقای «سیلس سواز» رهبری یک حزب چپ مرکزی را که از ائتلاف دو حزب کمونیست و نهضت چپ انقلابی بوجود آمده، بعهده دارد. و بدین جهت از پایگاه خوبی در درون مرکز کارگری بولیوی برخوردار میباشد.

مرکز کارگری بولیوی توانست بوسیلهٔ اعتصابیکه در دوم ژوئیه ترتیب داده بود، بیکی از خواسته‌های خود که همانا تغییر جهت بودن مرکز ثقل مخالف کنگره بنفع نهضت کارگری میباشد، جامعه عمل بپوشاند.

و همچنین به‌آقای «پازاستنسرو» نشان داد که او بدون اینکه بخواسته‌های سندیکائی کارگران رسیدگی کند، نخواهد توانست پست ریاست جمهوری را احراز کند. در بولیوی این نکته فکر تمامی رؤسای دولت را که نمی‌خواهند از راه اختناق حکومت کنند، بخود مشغول داشته است.

نبرد پلیس برزیل با کارگران اعتصابی

ریودوژانیرو ــ ۳۰ جولای ــ هرالدتریبیون

هزاران کارگر ساختمانی در حال اعتصاب، با پلیس ایالتی در شهر «بلوهور نیرونته» به‌جنگ و جدال پرداختند. سخنگوی دولت اظهار نمود که یک کارگر کشته و چندین نفر بسختی مجروح شدند.

تخمین زده میشود که تعداد این کارگران ۵۰۰۰ هزار نفر بوده که در اولین روز اعتصاب خود بخاطر افزایش دستمزد به‌تظاهرات خیابانی، پرداخته بودند.

تلگرام برادر یاسر عرفات به‌جنبش مسلمانان مبارز

از طرف برادر یاسر عرفات، رئیس کمیته اجرائی جبههٔ آزادیبخش فلسطین و فرمانده کل قوای فلسطین در پاسخ تلگرام تسلیت جنبش مسلمانان مبارز، تلگرامی باین مضمون مخابره شده است:

برادران جنبش مسلمانان مبارز ایران

تلگرام تسلیت شما را به‌مناسبت شهادت برادر و فرمانده مبارز «زهیر محسن» با نهایت امتنان دریافت کردیم. از همدردی صادقانه شما سپاس‌گزاریم.

لازم بتأکید است که این جنایت جزئی از سلسله اقدامات وحشیانه و مستمری است که دشمن صهیونی علیه خلق عربی فلسطینی و علیه امت عربی با حمایت امپریالیسم آمریکا مرتکب میشود. و همچنین تأکید می‌کنیم که این نوع جنایتها اراده استوار خلق مبارز ما را بادامه راه انقلابی‌اش تا کسب پیروزی و آزاد کردن خاک وطن مقدس فلسطین متزلزل نخواهد کرد.

انقلاب تا پیروزی

یاسر عرفات ــ رئیس کمیته اجرائیه جبهه آزادی‌بخش فلسطین ــ فرمانده کل قوای انقلاب فلسطین

بقیه از صفحه ۷

گزارش ــ مصاحبه مطبوعاتی

آزادانه، نماینده خود را انتخاب کند. برای اینکار بیشتر تبلیغات جنبش مسلمانان مبارز را نه دوراز آنچه که واقعیات زندگی سیاسی، اجتماعی، و نه برای شخصیت ــ ساریهای بی‌محتوا، بلکه برای آشنائی مردم با عقاید این افراد و منش و روش تفکر آنها اقدام نموده‌ایم. ناطق سپس به‌موارد نقض آزادیها در انتخابات اشاره نموده و مواردی را که در اعلامیه‌های جنبش مسلمانان مبارز آمده بود برشمرد، از آنجمله اسم دکتر حبیب‌اله پیمان از فهرست اسامی نامزدها در حوزه‌های رای‌گیری حذف شد و مردم تصور کردند که او از نامزدی منصرف شده است، و یکی دیگر از نمونه‌ها، سوءاستفاده از نام امام در تبلیغات و وانمودکردن به اینکه نامزدهای حزب جمهوری اسلامی را تنها امام تأیید و تعیین کرده‌اند و انتشار شایعاتی مبنی براینکه سایر نامزدها غیر ــ مسلمان، التقاطی، کمونیست و مخالف امام و جمهوری اسلامی هستند، بود. (نمونه عکس زیر که از حوزه انتخاباتی گرفته شده).

در بخش دیگر به برخوردهای دولت با مسائل اشاره شد که باعث می‌شود تا روزبه روز مردم از مسائل سیاسی دور شوند. سپس اشاره شد که دولت با تشکیل شوراها باید مردم را در سیاست شرکت دهد. در بحث وحدت به ضرورت وحدت نیروهای مترقی و انقلابی اشاره شد، واعلام شد که جنبش مسلمانان مبارز خواهان ایجاد جبهه واحد ضداستبداد، ضداستعمار و ضداستثمار به رهبری امام خمینی در مبارزه پیگیر علیه امپریالیسم و ارتجاع می‌باشد.

انقلاب ادامه دارد

بیروت ۱۹۷۹/۸/۷ ــ وفا

پریروز در دانشگاه عربی بیروت مراسم یادبود برادر زهیر محسن با حضور برادر ابوعمار و گروهی از رهبران انقلاب فلسطین و نهضت ملی و قومی لبنان برگزار شد و برادر ابوعمار طی نطقی چنین گفت:

ای زهیر محسن بخون پاکت و روح بی‌آلایشت انقلاب ادامه دارد. آری برادران، دستهای زبون اورا ترور کردند. دست مزدورانی که تروریست معروف مناحیم‌بگین تربیت شده و شاگرد چاوشکی در پشت آنها است، دارودستهٔ کمپدیوید حامی آنها است.

آنهائیکه میخواهند منطقه را بزانو درآورند و در داخل چارچوب نفوذ امپریالیستی آمریکا قرار دهند. ولی من بآنها می‌گویم ما بهمه این توطئه‌ها و این اعمال جنایت‌آمیز و اهداف آن آشنا هستیم. ای برادر زهیر محسن تو سمبل یک رزمنده فلسطینی بودی که از دست دادیم. ولی باین خونهای پاک، این تصادفی نیست که در مدت ۶ ماه، سه قهرمان بزرگ ابوحسن سلامه و ابوحسن میر ابوحسن و زهیر محسن را از دست بدهیم. برادران من بنام خون زهیر محسن و خون‌میر و خون همه شهدا سوگند می‌خورم، آنها بر ما پیروز نشدند، این عظمت مردم لبنانی است که در گذشته و حال برای حمایت از انقلاب فلسطین ایستاده است. من به‌کارتر و بگین و مزدورانشان سادات می‌گویم که اراده نهضت ملی و جبهه قومی لبنان به‌تنهائی کافی است، توطئه و توطئه‌گران و اتحاد کمپدیوید را نابود کند.

یکبار دیگر می‌گویم کسی نمیتواند مارا تهدید کند. ما مورد تهدید واقع نمیشویم. به‌بگین و نظامیان صهیونیست می‌گویم همانطوریکه در حمله نظامی خود در سال گذشته شکست خوردند، در این تهدیدهای خود نیز با سلاحهای مدرن آمریکائی اف ۱۵ و اف ۱۶ را شکست می‌خورند، همچنانکه ب ۵۲ در ویتنام شکست خورد، توطئه‌های کمپدیوید نیز شکست می‌خورند.

من اگر بر زمین افتادم، تو ای همسنگر جای مرا بگیر و سلاح مرا بردار و از خونی که از زخم‌های من می‌ریزد نترس، من نمرده‌ام، بلکه همواره از پشت سلاح ترا صدا می‌کنم:

انقلاب، انقلاب، انقلاب تا پیروزی

لطفاً وجوه نشریه امت را به‌حساب جاری شماره ۴۰۰ بانک صادرات شعبه تخت‌طاووس روزولت واریز نمایید

هفته نامه امت شماره ۱۸
چهارشنبه ۲۴ مرداد
۱۳۵۸ سال اوّل
زیر نظر:
شورای نویسندگان امت
خیابان بهار شمالی نبش خیابان نامجو
۸۲۴۹۸۴ ــ ۸۲۴۸۳۱
چاپ شرکت افست «سهامی عام»

درود بر امام خمینی رهبر انقلابی توده‌های مستضعف ما